



The Impact of Preliminary Investigation Stage on the Personality Record

Saeed Ghāedī¹

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Judicial Sciences, Tehran, Iran. Email: saeedghaedilaw@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Received:
February 01, 2023

Accepted:
July 31, 2024

Keywords:
Personality record, Preliminary investigations, Prosecution authority, Investigating authority, Principle of individualization.



ABSTRACT

The Criminal Procedure Code enacted in 2014 has sought to take an important step towards expanding the scope of the principle of individualization by providing for the establishment of personality record during the preliminary investigation (inquiries) stage, thereby aligning judicial decisions with the personality of the accused. The formation of a personality record is important in the preliminary investigation stage because the prosecutor's office authorities take into account the internal, physical, familial, and social components of the defendant, find out the motives and causes affecting the commission of the crime and issue the best decision in accordance with the personality of the accused. The present study, using a descriptive-analytical method and collecting the required information using library studies and emphasizing the approach of Iranian judicial precedent to the application of personality record in criminal investigations, has attempted to influence the personality record in the preliminary investigation stage. The findings of the research show that it is possible to benefit from the personality record in all decisions, components, and different stages of preliminary investigations, which begin with the process of summoning and arresting, the middle of which is with the arraignment, questioning of the accused, issuance of an order and judicial supervision, and end with the final order and indictment. However, the prosecution and investigation authorities seek to make minimal use of the personality file by restricting it, with the explanation that, on the one hand, before the issuance of a criminal protection order, the basis of the personality file is not formed, and as a result, judicial actions and decisions are devoid of influence up to this point. However, the prosecution and investigation authorities seek to make minimal use of the personality record by restricting it, with the explanation that, on the one hand, before the issuance of a criminal security order, the basis of the personality record is not formed, and as a result, judicial actions and decisions are devoid of influence up to this point. On the other hand, they proceed to form a personality record only in mandatory cases of formation and regarding the revocation of the detention order of the accused or the issuance of some leniency measures such as the suspension of prosecution for children and adolescents, and not in a comprehensive and widespread manner.

Cite this article: Ghāedī, S. (2024). The Impact of Preliminary Investigation Stage on the Personality Record. *The Criminal Law Doctrines*, 20(26), 333-378.

<https://doi.org/10.30513/cld.2024.5755.1948>





تأثیر پذیری مرحله تحقیقات مقدماتی از پرونده شخصیت

سعید قائدی^۱

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضایی، تهران، ایران.
saeedghaedilaw@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ کوشیده است با پیش‌بینی تشکیل پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی، گامی مهم در راستای گسترش قلمرو اصل تفرید و متناسب‌سازی تصمیمات قضایی با شخصیت متهم بردارد. تشکیل پرونده شخصیت از آن جهت در مرحله تحقیقات مقدماتی حائز اهمیت است که مقامات دادسرا با ملاحظه مؤلفه‌های درونی، جسمی، خانوادگی و اجتماعی متهم، پی به انگیزه‌ها و علل مؤثر در وقوع جرم برده و متناسب با شخصیت متهم، بهترین تصمیم را اتخاذ کنند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و با تأکید بر رویکرد رویه قضایی ایران به کاربست پرونده شخصیت در تحقیقات جنایی، به بررسی تأثیرگذاری پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که امکان بهره‌مندی از پرونده شخصیت در تمامی تصمیمات، اجزاء و مقاطع مختلف تحقیقات مقدماتی وجود دارد؛ از جمله، آغاز آن با فرآیند احضار و جلب، میانه آن با تفهیم اتهام، بازجویی از متهم، صدور قرار تأمین و نظارت قضایی، و پایان آن با قرار نهایی و کیفرخواست. با این حال، مقامات تعقیب و تحقیق با محدودسازی، در پی استفاده حداقلی از پرونده شخصیت هستند. از یک سو، پیش از صدور قرار تأمین کیفری، اساساً پرونده شخصیت تشکیل نمی‌شود و در نتیجه، اقدامات و تصمیمات قضایی تا این مرحله خالی از تأثیر پذیری است. از سوی دیگر، تنها در موارد الزامی تشکیل پرونده، مانند فک قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم یا صدور برخی از نهادهای ارفاقی همچون قرار تعلیق تعقیب برای اطفال و نوجوانان، آن هم نه به‌طور همه‌جانبه و فراگیر، اقدام به تشکیل پرونده شخصیت می‌شود.

نوع مقاله:

علمی پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۵/۱۵

کلیدواژه‌ها:

پرونده شخصیت،
تحقیقات مقدماتی،
مقام تعقیب، مقام
تحقیق، اصل تفرید.



استناد: قائدی، سعید. (۱۴۰۳). تأثیر پذیری مرحله تحقیقات مقدماتی از پرونده شخصیت. آموزه‌های حقوق کیفری،

۲۰(۲۶)، ۳۳۳-۳۷۸. <https://doi.org/10.30513/cld.2024.5755.1948>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

تشکیل پرونده شخصیت^۱ یکی از دستاوردهای جرم‌شناسی نوین در حقوق کیفری به منظور کمک به بازاجتماعی شدن^۲ مجرم است (عاکفی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۱۸). جرم‌شناسان در تبیین علل وقوع جرم، علاوه بر علل زیستی و اجتماعی، به عوامل روانی نیز اشاره می‌کنند. در میان این عوامل، شخصیت^۳ مرتکب، مهم‌ترین عامل شناخته می‌شود. این مقوله امروز مرزهای روان‌شناسی و جرم‌شناسی را دنوردریده و وارد پهنه حقوق کیفری شده است. شخصیت مرتکب جرم سبب شده است که مجازات هر شخص متناسب با آن در نظر گرفته شود. این فردی سازی کیفر^۴ در آراء قضایی، اصلی محوری و ضروری است که لازمه آن، تشکیل پرونده شخصیت است تا از این طریق، مجازاتی درخور و متناسب با شخصیت مرتکب تعیین و اجرا گردد.^۵

پرونده شخصیت، پرونده‌ای جدا از پرونده اتهامی مربوط به رفتار مجرمانه است و حاوی اطلاعاتی درباره شخصیت مرتکب این رفتار است (خالقی، ۱۴۰۲، ص ۲۷۶).

1. Personality File.

2. Resocialization.

۳. از واژه شخصیت (Personality) تعاریف گوناگون و متنوعی ارائه شده است. ریچارد گسن (Raymond Gassin) در این باره نگاشته است: «مفهوم شخصیت، مفهوم بنیادی است، مع‌ذک تعریف آن در پرده ابهام باقی مانده است، زیرا تفسیرهای مختلفی از آن به عمل آمده است» (گسن، ۱۳۸۶، ص ۱۵۴). شخصیت در لغت‌نامه فارسی به معنای رفعت، بزرگواری و وجود است (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۱۱۵۷) و مجموعه عوامل باطنی یک شخص و مجموع نفسانیات یک شخص از احساسات، عواطف و افکار است (کی‌نیا، ۱۳۴۶، ص ۱۰۳).

4. The principle of individualization of punishment.

۵. به موجب این اصل، مجازات باید با شخصیت مجرم و شرایط ارتكابی جرم وی منطبق باشد. اصلی‌ترین گزاره مکتب کلاسیک نوین این است که انسان بزه‌کار مجازات می‌شود، زیرا آن را انتخاب کرده است. همچنین مجازات زمانی سودمند خواهد بود که درک کنیم او، نه موجودی ماورایی، بلکه حساس و مادی نیز هست. تحت ملاحظات این مکتب، ایده فردی سازی مجازات شکل گرفت که در مکاتب بعدی، از جمله مکتب تحقیقی و دفاع اجتماعی، ادامه و تکامل یافت (حاجی‌ده‌آبادی و ساری‌خانی، ۱۳۹۵، ص ۹۷).

مطابق بند «پ» ماده ۱ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت^۱ مصوب ۱۳۹۸، مفهوم آن چنین بیان شده است: «پرونده‌ای مشتمل بر اطلاعات شخصی متهم از قبیل سوابق فردی، خانوادگی، اجتماعی، تحصیلی و وضعیت شغلی، اقتصادی، پزشکی و روان پزشکی و همچنین سوابق کیفری که بر اساس مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری و ضوابط این دستورالعمل به منظور استفاده در اتخاذ تصمیم مناسب قضایی، در کنار پرونده قضایی تشکیل می‌شود». به بیان دیگر، تشکیل پرونده شخصیت در کنار پرونده قضایی^۲ باعث می‌شود که مقامات نظام عدالت کیفری در مراحل مختلف تعقیب، تحقیق و رسیدگی، آن را به عنوان یک ضرورت در نظر گرفته و با مراجعه به آن و آگاهی از ابعاد مختلف شخصیت مرتکب، مناسب‌ترین تصمیم را در راستای بازاجتماعی کردن یا تنبیه مجرم اتخاذ کنند.^۳

تشکیل پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی از آن جهت حائز اهمیت است که قاضی تحقیق با ملاحظه مؤلفه‌های درونی، جسمی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب، پی به انگیزه‌ها و علل مؤثر در وقوع جرم می‌برد و متناسب با شخصیت مجرم، بهترین تصمیم را اتخاذ می‌کند (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴). در این رابطه، جرم‌شناسی با بهره‌گیری از یافته‌های سایر علوم و پرونده شخصیت، می‌کوشد به انگیزه‌های بزهکارانه و نقش ویژگی‌های شخصیتی اشخاص در تکوین رفتار مجرمانه بپردازد (Reilly, 2012, p.76). به رغم ضرورت یادشده، در سیاست جنایی^۴ ایران، اهمیت تشکیل پرونده شخصیت به عنوان رویکردی اساسی در

1. Instructions for filing a character file.

2. Judicial file.

۳. مجموعه تحقیقات، بررسی‌ها و آزمایش‌هایی که برای شناخت شخصیت بزه‌کاران و تشکیل پرونده شخصیت به کار می‌رود، «ابسرواسیون» (Observation) نامیده می‌شود (نوربها، ۱۳۸۳، ص ۳۹). فرایند ابسرواسیون یا «شیوه شناسایی شخصیت بزه‌کار»، می‌تواند در محیط‌های باز و بسته و در فرایندهای مختلف رسیدگی کیفری، به ویژه مرحله تحقیقات مقدماتی، انجام شود. تحقیقات انجام شده در هر دو نوع باز و بسته، در مجموعه‌ای جمع‌آوری می‌شوند که این مجموعه مستند و مکتوب را در نظام قضایی ایران «پرونده شخصیت» می‌نامند.

4. Criminal policy.

فرایند دادرسی کیفری، به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی^۱ پیش بینی نشده است. قانون گذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ را در راستای تشکیل پرونده شخصیت و اجزای آن تصویب نموده است. با این حال، این مواد نه تنها تمامی جرائم و متهمان را شامل نمی شوند، بلکه تمامی ابعاد شخصیتی مرتکب نیز در تشکیل پرونده لحاظ نمی گردد. به عبارت دیگر، سیاست جنایی تقنینی^۲ در به کارگیری، نحوه تشکیل و پیاده سازی این پرونده با نواقص و نارسایی هایی همراه است. این چالش ها در رویه قضایی نیز منعکس شده و سیاست جنایی قضایی^۳ با افزایش مشکلات، موجب شده که در عمل، پرونده شخصیت کارایی لازم را نداشته باشد و در نگاه اکثریت قضات، به خصوص در مرحله دادرسی، رویکردی تشریفاتی به این ابزار جرم شناسی بالینی^۴ مشاهده شود.^۵ از این رو، ضرورت دارد تا با توجه به قانون و فرایند قضایی، تأثیرگذاری تشکیل پرونده شخصیت در مقاطع مختلف مرحله تحقیقات مقدماتی تبیین شود. از طریق شناخت کاربست این پرونده در اجزای مختلف اقدامات و تصمیمات مقامات دادرسی، دریچه ای جدید پیش روی مقام های تعقیب و تحقیق گشوده خواهد شد. بنابراین، این پژوهش در پی واکاوی تأثیرپذیری مرحله تحقیقات مقدماتی از پرونده شخصیت است. برای نیل به این هدف، با روش توصیفی - تحلیلی و جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخانه ای، تلاش می شود تا اثرگذاری این پرونده در ابعاد مختلف اقدامات دادرسی تحلیل گردد.

البته، نگارنده برای آشنایی خواننده با واقعیات موجود، به نمونه تصمیمات قضایی در دسترس به عنوان شاهد مثال استفاده کرده است. پیرامون پرونده

1. Preliminary research stage.
2. Legal criminal policy.
3. Judicial criminal policy.
4. Clinical Criminology.

۵. در حالی که به تعبیر مارک آنسل (Marc Ancel): «نباید به عمل جنایی به عنوان یک عمل حقوقی صرف نگاه کرد، بلکه باید آن را به عنوان پدیده ای انسانی و اجتماعی در نظر گرفت و آن را نه تنها به فرد، بلکه به محیط پیرامون و تعامل با آن نیز مرتبط دانست. این امر مستلزم باور به برداشتی جدید از نقش دادرسی و آیین دادرسی کیفری است» (گسن، ۱۳۸۵، ص ۳۳۹).

شخصیت، جایگاه و مبانی آن (گاهی به صورت تطبیقی)، تحقیقات متنوعی انجام شده است که عمدتاً دارای ماهیتی نظری در اندیشه حقوقی ایران هستند و با موضوع پژوهش کنونی، از حیث انحصار آن به مرحله تحقیقات جنایی و رویکرد میدانی رویه قضایی، تفاوت دارند.

این پژوهش، ضمن بررسی اجزای مختلف اقدامات مقامات قضایی دادسرا در تحقیقات مقدماتی، اثرگذاری پرونده شخصیت را در هر یک از تصمیمات قضایی این مقامات، با نگاهی مختصر به رویه قضایی، تبیین می‌کند. از این حیث، موضوعی بدیع و رویکردی نوآورانه دارد و از ادبیات نظری پیشین متفاوت است. ساختار پژوهش در دو بخش تنظیم شده است. در بخش نخست، تأثیرپذیری فرایند احضار متهم تا صدور قرار تأمین کیفری از پرونده شخصیت به تصویر کشیده شده است. در بخش دوم، به اثرگذاری این پرونده در صدور قرار نهایی و کیفرخواست پرداخته می‌شود.

۱. تأثیرپذیری فرایند احضار متهم تا قرار تأمین کیفری از پرونده شخصیت

تحقیقات مقدماتی^۱ حساس‌ترین مرحله از فرایند دادرسی کیفری به شمار می‌رود. این مرحله، اولین مواجهه متهم با نظام عدالت کیفری است و در آن، شالوده پرونده متهم شکل می‌گیرد. تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، تشکیل پرونده شخصیت در تحقیقات مقدماتی به طور صریح مشخص نشده بود. این کمبود در حالی بود که مطالعه و شناخت بزه کاری، علل وقوع جرم، و درک شرایط ارتکاب جرم از الزامات یک دادرسی عادلانه^۲ محسوب می‌شد. به ویژه در جرائم مهم و مجازات‌های شدید، مقام قضایی باید به شخصیت بزهکار، پیشینه‌ها و زمینه‌های خانوادگی، ویژگی‌های فردی و سایر شاخص‌هایی که ممکن است در

۱. ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضائی، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود».

تعیین مجازات مؤثر باشد، توجه ویژه‌ای داشته باشد (رستمی تبریزی، ۱۳۹۵، ص ۱۰). ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری، بازپرس را موظف کرده است که در برخی از جرائم، اقدام به تشکیل پرونده شخصیت کند. در این ماده آمده است: «در جرائم مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد یا تعزیر درجه چهارم و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید...». همچنین ماده ۴ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت مقرر می‌دارد: «پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی، حسب مورد به دستور بازپرس یا دیگر مقامات قضایی که تحقیقات مقدماتی را انجام می‌دهند، تشکیل می‌شود».

در ماده ۲۰۳، «گزارش مددکاری اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم» و «گزارش پزشکی و روان‌پزشکی» به عنوان بخش‌های بنیادی پرونده شخصیت در نظر گرفته شده‌اند. این گزارش‌ها کارکردهای متنوعی دارند؛ از یک سو در فردی سازی و اتخاذ تدابیر بازپرورانه و از سوی دیگر، در شناسایی عوامل جرم‌زا و پیشگیری از بزهکاری تأثیرگذارند (نیازپور، ۱۳۹۵، ص ۱۲۶).

به این ترتیب، مطابق ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۲ دستورالعمل پیش گفته، تشکیل پرونده شخصیت برای تمامی جرائم مورد پذیرش قانون‌گذار قرار نگرفته است. این الزام تنها در جرائم یاد شده و نیز در جرائم تعزیری درجه پنج و شش اطفال و نوجوانان (به موجب ماده ۲۸۶) پیش‌بینی شده است.^۱ با این همه، نظر به این که پیش از مرحله تحقیقات مقدماتی، مراحل کشف و

۱. در نظام حقوقی فرانسه، تشکیل پرونده شخصیت در تحقیقات مقدماتی جنایات الزامی است. بر همین اساس، به موجب بند ۶ ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور، مقام تحقیق مجاز است از طریق «کمیته تعلیق مراقبتی و کمک به زندانیان آزاد شده» پیرامون وضعیت مادی، اجتماعی و خانوادگی متهم تحقیق کند و انجام آزمایشات علمی را برای تشکیل پرونده شخصیت مدنظر قرار دهد (عباسی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۵).

تعقیب جرائم قرار دارد،^۱ قانون‌گذار تا بدان جا پیش‌روی نکرده است که فرایند کشف و تعقیب جرائم را در دامنه الزام قانونی قرار دهد و ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در این مراحل را به رسمیت بشناسد.^۲

این خلأ قانونی، ناشی از فلسفه‌ای است که بر مبنای مختلفی استوار است؛ از جمله عدم امکانات، تجهیزات و نیروی انسانی کافی و عدم توجیه تشکیل پرونده شخصیت برای مشتکی‌عنه یا مظنونانی که ادله کافی علیه آن‌ها موجود نیست. به‌رغم موجه بودن این استدلال، این توجیه تمامی مصادیق اقدامات کشفی و به‌ویژه تعقیبی را در بر نمی‌گیرد. برای مثال، فرض کنید دادستان به‌عنوان مقام تعقیب، اطلاعاتی مبنی بر ارتکاب جرم توسط شخصی کسب نموده است؛ بی‌تردید، اطلاع این مقام از وضعیت خاص آن شخص مانند شرایط روانی، خانوادگی، اجتماعی و تحصیلی وی می‌تواند در نوع و کیفیت تعقیب متهم و دستورات بعدی او تأثیرگذار باشد.

اهمیت این امر در اقدامات ضابطان دادگستری در راستای کشف جرم نمایان می‌شود. به‌عنوان نمونه، ضابطان در مواجهه با جرائم مشهود، بر اساس مواد ۴۴، ۴۶ و ۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری، وظایفی بر عهده دارند. آن‌ها می‌توانند چنانچه نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات «ضروری» باشد، متهم را بازداشت نمایند. در صورت بازداشت، باید ظرف یک ساعت مراتب را به اطلاع دادستان برسانند. حال در صورت وصول اطلاعات مبنی بر بازداشت متهم توسط دادستان، اطلاع دادستان از اوصاف فردی، خانوادگی و اجتماعی متهم، می‌تواند به دستور آزادی متهم (به لحاظ عدم ضرورت در نگهداری) تا اطلاع ثانوی و احضار بعدی منجر شود.

۱. نک: مواد ۱ و ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

۲. ظهور تدابیر پیشنهادی طرف‌داران مکتب تحقیقی منحصر به مرحله بعد از ارتکاب جرم نبوده، بلکه معتقد بودند که حتی قبل از آن که جرمی ارتکاب یابد، در صورت بروز حالت خطرناک، لازم است تدابیری اتخاذ شود (بولک، ۱۴۰۰، ص ۴۵). برای نمونه، آدلف پیرنس به‌عنوان یکی از بنیان‌گذاران اصلی اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری، در مورد حمایت از نظم اجتماع، آن‌چنان دل‌نگران است که تدابیری را برای مرحله قبل از ارتکاب جرم در نظر می‌گیرد. وی در خصوص این تدابیر که تا آن زمان از لحاظ عملی سابقه‌ای نداشت، تصریح می‌کند: «همان‌طور که برای تأمین بهداشت جسم، تشکیلات و سازمانی لازم است، اکنون نیاز به سرویس بهداشت روانی و اخلاقی که معالجه عقب‌افتاده را بر عهده بگیرد، احساس می‌شود» (پرادل، ۱۴۰۲، ص ۱۰۹).

شناخت مقام تعقیب از ابعاد شخصیتی متهم می‌تواند بر امرارجاع پرونده نیز تأثیرگذار باشد. به منظور تحقق یک ارجاع مطلوب، لازم است که قبل از محول نمودن پرونده به شعبه، تمامی جوانب امر و ابعاد موضوع مورد توجه قرار گیرد و علاوه بر مطالعه اجمالی پرونده اتهامی، از اوضاع و احوال موجود و مصالح عمومی، زیان دیده و بزهکار غافل نشود و کیفیت نسبی آثار زیان بار جرم و پیامدهای ناشی از رسیدگی‌ها و نقش پیشگیری در جرائم (با مطالعه پرونده شخصیت) نیز مورد توجه قرار گیرد (امیری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴۰). به طور مثال، جرائم از حیث شیوه ارتکاب، گستره نقض وظیفه و اخلال ایجاد شده در نظم عمومی و متهمان از حیث سوابق کیفری یکسان نیستند. اطلاع دادستان از وضعیت و سوابق شخصیتی متهم می‌تواند در امرارجاع، با توجه به شناخت وی از مقام تحقیق مرجوع‌الیه، اثربخش باشد.^۱

بنابراین، نگارنده بر این باور است که با اصلاح و ابتکار ساختاری و تقنینی، می‌توان دامنه تشکیل پرونده شخصیت را گسترش داد و برخی از اقدامات تعقیبی دادستان، از جمله ارجاع پرونده را منوط به تشکیل این پرونده نمود.^۲ ناگفته نماند که قانون‌گذار در بند «چ» ماده ۲۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری، دادستان را ملزم به درج «خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم» در کیفرخواست^۳ کرده است که در مباحث آینده بدان اشاره خواهد شد.

۱. در این راستا می‌توان به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اشاره کرد که دادگاه را موظف نموده در هنگام صدور حکم تعزیری به انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم، شیوه ارتکاب جرم و گستره نقض وظیفه، اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم و سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی وی و تأثیر تعزیر بر او توجه نماید. این پیش‌بینی برای مبنا استوار است که در حقوق کیفری مجرم‌مدار، بزه قبل از آن که یک رفتار حقوقی تلقی شود، یک واقعیت انسانی-اجتماعی است که پاسخی مبتنی بر خصوصیات زیستی، روانی و اجتماعی مرتکب آن می‌طلبد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۹).

۲. ارجاع پرونده توسط دادستان از شئون تعقیبی این مقام تلقی می‌شود. قانون‌گذار در جهت رعایت استقلال دادستان و عدم مداخله مقامات تحقیق در اقدامات تعقیبی، حتی در موارد استثنایی که مقام تحقیق بدون ارجاع اقدام به تحقیق می‌نماید، لزوم ارجاع لاحق دادستان پس از دسترسی به وی را به موجب بند اخیر ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ پیش‌بینی کرده است (قائدی، ۱۳۹۶، ص ۸۶).

از دیگر سو، موضوعیت، تحقیقات مقدماتی است، نه مرجع یا سمت قضایی. بدین توضیح که مقامات تحقیق کننده در دعوی عمومی، به موجب مواد ۹۲، ۱۸۶، ۲۸۵، ۳۰۶ و ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری، علاوه بر بازپرس، شامل دادستان، دادیار، قاضی کشیک و مقامات قضایی دادگاه نیز می‌باشند و این مقامات، در صورت انجام تحقیقات مقدماتی، مکلف به تشکیل پرونده شخصیت در موارد قانونی هستند.^۱

به این ترتیب، چنانچه دادستان، تعقیب را در قالب اقدامات تحقیقی آغاز کند، باید در چارچوب ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری، دستور تشکیل پرونده شخصیت را به واحد مددکاری اجتماعی^۲ صادر نماید. این تحقیق، همان گونه که از منطوق بند اخیر ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری برداشت می‌شود، نیازمند ارجاع نیست و بازپرس و قاضی کشیک می‌توانند بدون ارجاع، اعم از ساعات اداری و غیراداری، دستور تشکیل پرونده شخصیت را صادر کنند.^۳

۱. در تأیید این دیدگاه، اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۸۸۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۱۲ مقرر می‌دارد: «با توجه به قسمت اخیر ماده ۳۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در جرائمی که مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود و در مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ قانون پیش گفته به آن‌ها تصریح شده است و در واقع انجام تحقیقات مقدماتی این جرائم به عهده دادگاه است، مقررات تعقیب حاکمیت داشته و دادگاه باید نسبت به تشکیل پرونده شخصیت برای متهم (که بالتبع در تعیین مجازات وی نیز مؤثر خواهد بود) اقدام کند. بنابراین، طرح مستقیم پرونده در دادگاه، نافی تکلیف دادگاه در تشکیل پرونده شخصیت نخواهد بود و در فرض سؤال نیز که به لحاظ ارتکاب جرم مستوجب سلب حیات (در موارد خاص نظیر برخی جرائم منافی عفت موضوع ماده ۳۰۶ قانون مذکور)، پرونده امر مستقیماً در دادگاه مطرح و مورد رسیدگی واقع می‌شود، تشکیل پرونده شخصیت، به ویژه با توجه به طبع این جرائم، ضروری خواهد بود.»

2. Social work department.

۳. اگرچه دادستان در غالب مجازات‌های موضوع ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری امکان انجام اقدام تحقیقی بر مبنای اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق ندارد (The principle of separation between prosecution and investigation)، اما در مواردی همچون جنایات عمدی که میزان دیه آن‌ها کمتر از نصف دیه کامل است و همچنین در موارد قانونی دیگر، از جمله مواد ۷۸ و ۲۸۶ قانون مذکور، به امر تحقیق پرداخته و ملزم به تشکیل پرونده شخصیت است.

ماده ۴ این قانون و تبصره ۱ ماده ۷ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت نیز مؤید این دیدگاه است. در تبصره یاد شده آمده است: «در جرائمی که مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود، پرونده شخصیت به دستور قاضی دادگاه تشکیل می‌گردد».

شایان ذکر است که به موجب مواد ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۲۷۲، ۲۸۰ و ۲۸۱ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۴۰۰، تشکیل پرونده شخصیت (اعم از پرونده وضعیتی^۱ و مددکاری^۲) توسط واحد مددکاری زندان^۳ یا قانون اصلاح و تربیت^۴ برای محکومان ضروری است. با این حال، این امرنافی تکلیف بازپرس به موجب ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری در تشکیل پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی نیست. در تأیید این دیدگاه، نظریه مشورتی شماره ۲۲۲۸/۹۶/۷ مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۲۰ اداره کل حقوقی قوه قضاییه مقرر می‌دارد: «مستفاد از مواد ۲۰۳، ۲۸۶، ۴۸۵ و ۴۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این است که پس از صدور دستور تشکیل پرونده شخصیت برای متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی توسط مقام قضایی، تنظیم پرونده شخصیت و ارکان آن بر عهده واحد مددکاری اجتماعی است که طبق قانون در حوزه قضایی هر شهرستان ایجاد می‌گردد. تنظیم پرونده شخصیت از سوی واحد مددکاری اجتماعی قانون اصلاح و تربیت یا زندان، که عمدتاً در اجرای مواد ۳۸، ۴۰ و ۴۶ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی است^۵ و ناظر به مرحله بعد از صدور حکم قطعی و وضعیت محکومان است، ارتباطی با پرونده شخصیت موضوع مواد صدرالذکر ندارد».

اکنون پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا امکان تشکیل پرونده

-
1. Status file.
 2. Assistance file.
 3. Prison worker department.
 4. Correctional Center.

۵. منظور آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۲۰ است. این آیین‌نامه در تاریخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۰ به موجب آیین‌نامه‌ای با همین عنوان ملغی گردید.

شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی برای اشخاص حقوقی^۱ در صورت ارتکاب جرم^۲ وجود دارد؟

به نظر می‌رسد در صورتی که اشخاص حقوقی نیز مرتکب جرائمی شوند که مجازات‌های مشابه با کیفرهای مندرج در ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری، مانند انحلال شخص حقوقی یا مصادره کل اموال (تعزیر درجه چهارم و بالاتر)، برای آن‌ها پیش‌بینی شده باشد، تشکیل پرونده شخصیت الزامی است. این الزام از ماده ۶۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری مستفاد می‌شود که بیان می‌کند چنانچه مقررات ویژه‌ای در مورد جرائم اشخاص حقوقی پیش‌بینی نشده باشد، مطابق مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری عمل می‌شود (طهماسبی، ۱۳۹۵، ص ۵۰). بررسی دقیق ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که به تعیین مجازات‌های اشخاص حقوقی پرداخته است، نشان می‌دهد که صدور رأی متناسب با وضعیت و جرائم این اشخاص، مستلزم شناخت سوابق اقتصادی، اجتماعی، حرفه‌ای و شغلی آن‌هاست. این پرونده همچنین در صدور قرار تأمین کیفری برای اشخاص حقوقی به موجب ماده ۶۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری نیز کارآمد است که در مباحث پیش‌رو به آن پرداخته خواهد شد.

با این مقدمه، در مباحث آتی به تأثیرگذاری پرونده شخصیت در اجزای اقدامات ابتدایی تحقیقی پرداخته می‌شود و تمرکز بر این خواهد بود که از زمان ارجاع پرونده به مقامات تحقیق تا صدور قرار تأمین کیفری، جایگاه پرونده شخصیت در تصمیمات قضایی تبیین شود.

۱-۱. احضار، جلب و اقدامات تکمیلی

با ارجاع پرونده به شعبه، مقام تحقیق که عموماً با توجه به کیفرهای موضوع ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری، بازپرس است، ضمن ملاحظه پرونده، دستورات

1. Juridical person.

۲. ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود...».

مقتضی را صادر می‌نماید. نمود این دستور در قالب‌های مختلف احضار، جلب یا تحقیقات تکمیلی است. علی‌رغم تکلیف بازپرس در ماده یاد شده به تشکیل پرونده شخصیت در تحقیقات مقدماتی، مشخص نگردیده است که مقام‌های تحقیق از چه زمان و یا مقطعی از مرحله تحقیقات جنایی مکلف به صدور دستور تشکیل این پرونده هستند.^۱

اطلاق عبارت قانون‌گذار در ماده مذکور، نشان می‌دهد که بلافاصله بعد از ارجاع، مقام تحقیق باید دستور تشکیل پرونده شخصیت را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید، چراکه ارجاع و وصول پرونده به شعب تحقیق، مبدأ و آغاز مرحله تحقیقات مقدماتی است و شامل این اطلاق می‌شود. با این حال، به نظر می‌رسد که تشکیل پرونده شخصیت برای فردی که شاکی بدون هرگونه ادله قانونی و موجه، شکایتی علیه وی مطرح کرده (مشتکی‌عنه)، یا آن شخص از نگاه مقام قضایی صرفاً مظنون است و احتمال صدور قرار منع تعقیب وجود دارد، به دور از مبانی پیدایش و تشکیل پرونده شخصیت و مشکلات عملی ناشی از کمبود امکانات و نیروی انسانی در واحد مددکاری است. زیرا، پرونده شخصیت به منظور تعیین واکنش کیفری متناسب با شخصیت مجرم تشکیل می‌شود (ناجی زواره، ۱۴۰۱، ص ۴۲۹). به همین دلیل، ماده ۴ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت مقرر می‌دارد: «پرونده شخصیت در مورد متهمانی تشکیل می‌شود که برابر ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری، اتهام به آنان تفهیم شده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد».

اگرچه نگارنده بر عدم لزوم تشکیل پرونده شخصیت برای مشتکی‌عنه یا مظنون تأکید دارد، اما با تشکیل آن بعد از تفهیم اتهام و صدور قرار تأمین کیفری، که به موضوعی رایج در رویه قضایی تبدیل شده، مخالف است. توضیح آن که، در صورت تفهیم اتهام و وجود ادله کافی، بلافاصله باید توسط مقام قضایی قرار تأمین کیفری صادر شود. در این میان، فرصتی برای تشکیل پرونده شخصیت جهت احراز برخی

۱. تبصره ۲ ماده ۷ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت، تشکیل این پرونده را پیش از صدور قرار جلب به دادرسی ضروری اعلام نموده ولی از زمان آغاز تشکیل آن سخنی به میان نیامده است.

از شاخص‌های مندرج در ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ و ارزیابی اصل تناسب تأمین وجود ندارد.^۲

براین اساس، این بخش از دستورالعمل (ماده ۴) برخلاف نص ماده ۲۵۰ که بی‌توجهی به آن تخلف مقام قضایی را به دنبال دارد، تشخیص داده می‌شود. افزون بر این، در صورت وجود ادله از تکاب و انتسابی علیه متهم، مقام تحقیق باید پیش از صدور دستور احضار و جلب، یا حین آن، شناخت نسبی از شخصیت، وضعیت مادی، اجتماعی، خانوادگی و سوابق کیفری متهم داشته باشد. آگاهی از این مولفه‌ها، که پرونده شخصیت را تشکیل می‌دهند، می‌تواند در نوع و کیفیت دستور احضار و جلب متهم مؤثر باشد. به برخی از این جنبه‌ها اشاره می‌شود:

۱. تبصره مواد ۱۷۰ و ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری به مقام قضایی این اختیار را داده است که اگر ذکر علت احضار در احضاریه یا آگهی (تکلیف مقرر در صدر مواد) با حیثیت اجتماعی متهم تناقض داشته باشد، از درج آن در احضاریه یا آگهی پرهیز کند. بدون شک، شناخت بازپرس از وضعیت اجتماعی متهم با بررسی و مطالعه پرونده شخصیت به دست می‌آید.

۲. به موجب ماده ۱۷۹ قانون مذکور، «متهمی که بدون عذر موجه حضور نیابد یا عذر موجه خود را اعلام نکند» جلب می‌شود. از تفکیک انجام شده مشخص است که وجود عذر موجه^۳ (ماده ۱۷۸) برای عدم حضور، مانع صدور دستور جلب است و اعلام آن توسط متهم به بازپرس موضوعیت ندارد (خالقی، ۱۴۰۲، ص ۲۴۲).

۱. این ماده مقرر می‌دارد: «قرار تأمین و نظارت قضائی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد. تبصره- اخذ تأمین نامتناسب موجب محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالاست.»

۲. برخی از حقوق دانان بدون اشاره صریح به زمان تشکیل پرونده شخصیت، مقرر می‌دارند: «دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم باید در روزهای نخستین دسترسی به متهم صادر شود تا ارسال کیفرخواست به دادگاه پس از صدور قرار جلب به دادرسی، برای تکمیل این پرونده معطل نماند» (خالقی، ۱۴۰۲، ص ۲۷۳). به نظر می‌رسد این دیدگاه، به نحو تلویحی، تأکید بر تشکیل پرونده شخصیت بعد از صدور قرار تأمین و قبل از ارسال کیفرخواست به دادگاه دارد.

3. Justified excuse.

بنابراین، اگر مقام تحقیق به طریق دیگری، مانند بررسی پرونده شخصیت و اطلاع از بیماری متهم یا یکی از اعضای خانواده وی، مطلع شود، جلب متهم مجاز نخواهد بود.

۳. مقررات مربوط به جلب نخستین (بدون احضاریه) یا نحوه اجرای آن، در ماده ۱۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده است. طبق این ماده، بازپرس باید تنها در صورتی از این اختیار استثنایی و خلاف قاعده استفاده کند که با توجه به اهمیت جرم، دلایل ارتکاب، میزان مجازات و «شخصیت متهم»، احتمال فرار یا تبانی متهم در صورت دریافت احضاریه وجود داشته باشد (خالقی، ۱۴۰۲، ص ۲۴۳). شناخت بازپرس از شخصیت متهم که از مطالعه پرونده شخصیت حاصل می شود، نقش مؤثری در صدور دستور جلب یا احضار متهم دارد.

۴. تشکیل پرونده شخصیت و اطلاع مقام قضایی از مفاد آن در مرحله تحقیقات مقدماتی، حتی در تعیین زمان جلب (روز یا شب)، نیز اهمیت دارد. در تبصره ماده ۱۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: «جلب متهم به استثنای موارد ضروری باید در روز انجام شود... تبصره- تشخیص موارد ضرورت با توجه به... وضعیت متهم... با نظر بازپرس است». واضح است که شناخت وضعیت متهم با مطالعه پرونده شخصیت و اطلاع از وضعیت خانوادگی، اجتماعی و تحصیلی وی به دست می آید.

۵. تشکیل پرونده شخصیت در کیفیت جلب نیز مؤثر است. طبق ماده ۱۸۲ قانون مذکور، مأمور جلب ابتدا متهم را دعوت به حضور می کند. در صورتی که سابقه و شخصیت متهم به گونه ای باشد که احتمال متواری شدن او به محض مشاهده مأموران وجود دارد، مقام قضایی می تواند دستور جلب را به صورت تحت الحفظی صادر کند. اعطای اذن ورود به منزل و مخفی گاه به ضابطان جهت جلب بدون دعوت، نیز در همین راستاست.

۶. ماده ۱۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می کند: «هرگاه شخصی که دستور احضار یا جلب او صادر شده است، به علت بیماری، کهولت سن یا معاذیری که بازپرس موجه تشخیص دهد، قادر به حضور نزد بازپرس نباشد، در صورت اهمیت و فوریت موضوع، بازپرس به محل حضور او رفته و تحقیقات لازم را انجام

می‌دهد». اطلاع از مولفه‌های مذکور در این ماده که موجب حضور بازپرس نزد این افراد می‌شود، حاصل بررسی پرونده شخصیت است. تشکیل این پرونده قبل از احضار یا جلب، (در صورت وجود ادله نسبی)، ممکن است موجب شود که بازپرس بدون احضار و جلب ابتدایی نزد متهم حاضر شود یا تصمیم مقتضی بر اساس وضعیت متهم اتخاذ کند (رستمی، ۱۴۰۱، ص ۱۷۷). این امر اغلب توسط پزشکی قانونی که معاینه متهم را طبق بند «ب» ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری برعهده دارد، انجام شده و در پرونده شخصیت ثبت می‌شود.

علاوه بر تأثیر پرونده شخصیت بر نوع و کیفیت احضار و جلب، سایر تصمیمات و اقدامات قضایی^۱ نیز ممکن است تحت تأثیر پرونده شخصیت قرار گیرند. بند «ح» ماده ۱۴ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت به این موضوع پرداخته و مقام تحقیق را مکلف کرده است که با تمسک به پرونده شخصیت، تصمیمات لازم را اتخاذ کند. در این بند آمده است: «سایر مواردی که به موجب قانون، اقتضای اتخاذ تصمیم مستلزم در نظر گرفتن وضعیت متهم است».

به عنوان نمونه، ماده ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مجوز کار بست اقدامات احتیاطی^۲ در برابر تهدیدات احتمالی نسبت به متهم و خانواده وی را فراهم می‌کند. بررسی و ملاحظه اختلافات شخصی و خانوادگی متهم با شاکی و اطرافیان او که توسط واحد مددکاری پیش‌تر موشکافی شده^۳ و در پرونده شخصیت منعکس گردیده است، نقش مؤثری در به‌کارگیری نوع اقدامات در فرصت مناسب و کنترل تمامی جوانب دارد. از دیگر مصادیق این موضوع، جلوگیری از فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی و تولیدی مقرر در ماده ۱۱۴، معاینه و تحقیقات محلی به‌ویژه در ارتباط با روز و شب بودن آن (مواد ۱۲۳ و ۱۲۴) و تفتیش و بازرسی منازل، اشیاء و اماکن بسته و تعطیل (مواد ۱۳۷ و ۱۴۰) است. اطلاع مقام تحقیق از مفاد پرونده شخصیت متهم که شامل اطلاعات اقتصادی، اجتماعی، پزشکی، خانوادگی و

1. Judicial decisions and actions.

2. Precautionary actions.

۳. یکی از وظایف مددکاری اجتماعی به موجب ماده ۹ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت، تحقیقات محلی برای شناسایی وضعیت و سوابق اجتماعی و اختلافات احتمالی متهم است.

شغلی است، در کیفیت تصمیم‌گیری یا صدور دستورات یاد شده و توجیه آن‌ها مؤثر خواهد بود.^۱

با وجود امکان بهره‌گیری حداکثری از پرونده شخصیت در فرایند احضار، جلب و اقدامات مرتبط قبل از تفهیم اتهام، رویه قضایی در این مقطع خالی از تأثیرپذیری است. بررسی میدانی و مصاحبه همراه با مطالعه پرونده به وضوح نشان می‌دهد که مقامات تحقیق در موارد الزامی، پس از صدور قرار تأمین کیفری، دستور تشکیل پرونده شخصیت را صادر می‌کنند. در نتیجه، آگاهی از مولفه‌های پرونده شخصیت در زمان شکل‌گیری شالوده پرونده و تحقیقات گسترده جنایی، به دلیل نبود این پرونده، امکان‌پذیر نیست. با این حال، برخی از شعب تحقیق دستورات خاصی به پلیس با این مضمون صادر می‌کنند: «در خصوص وضعیت اجتماعی و اخلاقی متهم و اشتها روی به جرائم مرتبط و سابقه کیفری او به صورت نامحسوس تحقیق گردد». هرچند مخاطب این دستورات ضابطان دادگستری هستند، اما بررسی این موارد از تکالیف واحد مددکاری و از شاخص‌های پرونده شخصیت است. برای جلوگیری از هتک حیثیت متهم و بررسی دقیق و همه‌جانبه موضوع، این کار باید به مددکاران سپرده شود.

در پایان این مبحث، به مصاحبه‌ای با یکی از معاونین دادستان، به عنوان سرپرست دادسرا در یکی از کلان‌شهرها، اشاره می‌شود. وی بیان داشت: «اکثر همکاران قضایی پس از تفهیم اتهام دستور تشکیل پرونده شخصیت را صادر می‌کنند. من به عنوان اظهار نظر نیز هستم و مشاهده می‌کنم که برخی همکاران حتی در زمان صدور قرار نهایی، پرونده شخصیت را ضمیمه نکرده‌اند. در این موارد نقص گرفته می‌شود تا پیوست گردد». شایان ذکر است که در هنگام مصاحبه، اقلیتی از قضات دادسرا به تشکیل پرونده شخصیت پیش از تفهیم اتهام اشاره داشتند. با این

۱. تشکیل پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی در شناسایی بزه‌کاران اتفاقی و تصمیمات قضایی پس از شناسایی آن‌ها نیز مؤثر است. به‌ویژه آنکه لزوم اتخاذ تدابیر مناسب در برخورد با این بزه‌کاران در مطالعات جرم‌شناسانه نیز مطرح شده و همواره مبتنی بر تساهل، تسامح و عدم توسل به مجازات‌های شدید می‌باشد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۴۳).

حال، با بررسی پرونده‌های اتهامی این شعب و درخواست ارائه مصداق پرونده‌هایی که قبل از تفهیم یا پیش از صدور قرار تأمین، پرونده شخصیت ضمیمه شده باشد، هیچ موردی یافت نگردید.

۲-۱. تفهیم اتهام و تحقیق از متهم

امروزه دستگاه قضایی از یک سو باید بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ و قوانین داخلی^۲ حقوق دفاعی متهم را رعایت نماید و از سوی دیگر، مانع تضییع حقوق بزه‌دیده و جامعه شود. بهره‌گیری از روان‌شناسی جنایی و آگاهی حاصل از اطلاعات پزشکی، روان‌پزشکی، اجتماعی و مادی متهم، به ویژه در مورد اطفال و نوجوانان،^۳ به مقام تحقیق و سایر مقامات قضایی می‌آموزد که با جلب اعتماد و همکاری متهم و کاهش تنش‌های روانی، می‌توان روند بازجویی را به شکلی صحیح و علمی هدایت کرد. این امر با توجه به شرایط فردی متهم، موجب طرح سؤالات مناسب یا دقیق می‌شود و به کاهش خطای قضایی، دروغ‌گویی، کلی‌گویی و تناقض‌گویی کمک کرده و از به‌کارگیری روش‌های خشن و غیرانسانی جلوگیری می‌کند.^۴

1. International bill of human rights.

۲. رجوع کنید به: قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳. جهت تحلیل جرم‌شناختی آن نک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸.

۳. خطر بحران بزهکاری پیش‌رس نوجوانان، عدالت کیفری را بر آن می‌دارد تا با شناسایی زودرس بزهکاران نوجوان از «پایدار شدن بزهکاری» (Stabilization In Crime) در ایشان، پیشگیری نماید. ابزار شناخت «بزه‌کار بالقوه پایدار» (Potential Stabilizer Criminal)، مطالعه همه‌جانبه حیات فردی و اجتماعی نوجوان در پرونده شخصیت است (آشوری و عظیم‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۱۹۶). بنابراین، تشکیل پرونده شخصیت بزهکاران پیش‌رس، عدالت کیفری را در سیاست‌گذاری‌های مفید رویارویی با بحران بزهکاری نوجوان، ساختارمند کردن روش‌های فردی‌سازی، بازپروری و خروج به موقع نوجوان از فرایند رسمی عدالت کیفری کمک می‌رساند (Steiner & Cauffman, 1999, p.261).

۴. به عقیده مارک آنسل (Marc Ancel): «دیگر نمی‌توان به سوابق کیفری که اداره سجل کیفری در اختیار قاضی می‌گذارد و یا به اطلاعاتی که به سرعت در مورد وضعیت اخلاقی-روانی متهم جمع‌آوری می‌شود، بسنده کرد. از این‌رو، ملاحظه می‌کنیم که اندیشه بررسی و معاینه «علمی» شخصیت متهم در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۹۵۸ فرانسه پیش‌بینی شد. این بررسی که یکی از مهم‌ترین ابتکارها در زمینه دفاع اجتماعی است و به معنای «پزشکی-روان‌پزشکی و اجتماعی» متهم توصیف شده، در مرحله تحقیقات مقدماتی برای جرائم جنحه‌ای اختیاری و برای جرائم جنایی اجباری است» (آنسل، ۱۳۹۵، ص ۸۳).

اثراگذاری پرونده شخصیت در فرایند تفهیم اتهام^۱ نیز قابل توجه است. در صورتی که دلایل و قرائن به گونه‌ای باشد که امکان تفهیم اتهام وجود داشته باشد، باید برای جلوگیری از روشی غیرمؤثر، به شناخت متهم اقدام کرد (نجفی‌توانا، ۱۳۹۰، ص ۱۹). اجرای مواد مختلف از قانون آیین دادرسی کیفری به نحوی است که اقدام صحیح و به موقع نسبت به متهم در فرایند تفهیم اتهام و بازجویی، مستلزم شناخت شخصیت اوست. در این باره می‌توان به مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ این قانون اشاره کرد که مربوط به متهمی است که قادر به صحبت به زبان فارسی نیست یا فاقد قدرت تکلم و شنوایی است. تجلی این اوصاف در پرونده شخصیت، مانع از تجدید جلسه با حضور مترجم می‌شود. همچنین، این شناخت در عدم ارتکاب برخی رفتارهای مجرمانه مانند توهین لفظی (همچون افتراء یا نشر اکاذیب) توسط فردی فاقد قدرت تکلم نیز مؤثر است و موجب عدم تفهیم اتهام بزه توهین یا اهانت گفتاری می‌شود. جلوه دیگر تأثیرگذاری پرونده شخصیت، جنون متهم حین ارتکاب جرم (ماده ۲۰۲) یا در زمان تحقیقات پرونده (تبصره ماده ۱۳) است که بررسی سوابق موجود از متهم در پرونده شخصیت، همراه با نظریه پزشکی و روان‌پزشکی قانونی، تأثیر زیادی در توقف فرایند تفهیم اتهام و بازجویی از متهم و اتخاذ تدابیر مقتضی با توجه به حالت خطرناک متهم دارد.^۲

در این راستا، از قضات تحقیق پرسش اساسی مطرح شد که آیا پیش از تفهیم اتهام و تحقیق از متهم، پرونده شخصیت را ملاحظه می‌کنید تا بازجویی بر مبنای محتویات آن صورت گیرد؟ نگارنده با پاسخ‌های متفاوتی مواجه شد که اگر نگوییم اکثریت، اما غالب قضات به عدم تشکیل پرونده شخصیت در زمان تفهیم اتهام و تحقیق از متهم اشاره داشتند و برخی از آن‌ها اساساً به تشکیل آن در این مقطع اعتقادی نداشتند. اقلیتی از قضات، که عمدتاً مقامات دادگاه در زمان تحقیقات مقدماتی (در جرائم طرح مستقیم) بودند، اذعان داشتند که اگر پرونده شخصیت

1. Explanation of charges.

۲. نگاه کنید به: ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

موجود باشد، از آن بهره می‌گیرند؛ اما اصولاً این پرونده در زمان تفهیم اتهام تشکیل نشده است. برخی دیگر نبود تشکیلات مددکاری یا معضلات عملی را توجیهی برای عدم صدور دستور تشکیل در این مرحله دانستند.

این نکته نیز در تحلیل گفته‌های مصاحبه‌شوندگان و بررسی پرونده‌ها دریافت شد که مدت زمان تشکیل پرونده شخصیت، نیز اثری در عدم استفاده از آن در زمان بازجویی دارد. چه آن که در برخی پرونده‌ها مشاهده شده که گذشت دو ماه از زمان صدور دستور قضایی مبنی بر تشکیل تا عملی شدن آن، با توجه به لزوم فوریت در تحقیقات مقدماتی، مقام قضایی را ناچار به تحقیق از متهم کرده است. اما راهکار چیست؟ راهبرد آن است که قضات به محض وجود ادله حداقلی، دستور تشکیل پرونده شخصیت را صادر کرده و ضمن پیگیری جهت تسریع در روند پاسخ‌دهی و تشکیل آن،^۱ با تحصیل ادله بیشتر، وصول پرونده شخصیت را به عنوان مؤلفه‌ای در تصمیم‌گیری صحیح تلقی کنند و با تنظیم صورت جلسه، فرایند تفهیم اتهام و بازجویی را منوط به تشکیل آن نمایند. به منظور رفع ایراد فوریت در تحقیقات مقدماتی،^۲ می‌توان دستورهای تکمیلی در راستای انجام سایر اقدامات قضایی صادر کرد تا در زمان تحقیق از متهم، اقدام دیگری غیر از آنچه پس از تحقیق ضروری است، متصور نباشد.

نکته قابل توجه در رویه قضایی، پرونده‌های موسوم به متهم دار است. توضیح آن که، مرجع انتظامی متهمی را به موجب مواد ۴۴ تا ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری تحت نظر قرار داده و ظرف ۲۴ ساعت به نظر مقام قضایی می‌رساند. در این موارد، نیاز است که در صورت وجود ادله، اتهام تفهیم و از متهم تحقیق شود. در این گونه موارد، مقام قضایی اساساً فرصتی برای صدور دستور تشکیل پرونده شخصیت ندارد (چه رسد به تشکیل و وصول آن). این مسئله در جلب متهمان متواری نیز

۱. به موجب ماده ۷ دستورالعمل پرونده شخصیت، رعایت مدت زمان بیست روزه (پرونده غیرزندانی دار) و ده روزه (زندانی دار) برای تشکیل پرونده شخصیت، تکلیف واحد مددکاری اجتماعی است. در صورت رعایت این مدت، این ایراد فوریت در پرونده‌های غیرزندانی دار مرتفع می‌شود.

۲. که در اغلب پرونده‌ها این فوریت ملاحظه نگردید و از سویی در برخی از پرونده‌ها، تحقیقات به دلیل اقدامات غیرضروری با اطاله مواجه شده بود.

صادق است. راهکار پیشنهادی این است که با تأمین کادر مددکاری اجتماعی، برخی مددکاران را فعال و مختص به متهمان تحت نظریا مجلوب نمود تا قبل از اعزام متهم نزد قاضی کشیک یا بازپرس، توسط مأموران به واحد مددکاری اعزام و سپس به دادسرا منتقل شود. این مهم مستلزم آن است که دادستان یا قاضی کشیک، که پلیس با آن‌ها ظرف یک ساعت از زمان تحت نظری (به موجب ماده ۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری) هماهنگ می‌نماید، در دستورات شفاهی یا کتبی خود، اعزام متهم به واحد مددکاری را قبل از انتقال به دادسرا و تفهیم اتهام مدنظر قرار دهند. در این موارد، در صورت کمبود وقت، مددکار می‌تواند ضمن حضور در شعبه، توضیحات مورد نیاز را ارائه داده و پرونده شخصیت را متعاقباً ارسال نماید. این راهبرد نیز منطقی است که به محض تحقیق، دستور تشکیل پرونده شخصیت صادر شده و پس از وصول آن، با مذاقه در محتویات پرونده، مجدداً از متهم تحقیق شود.

۱-۳. قرار تأمین و نظارت قضایی

یکی از اهداف صدور قرار تأمین کیفری،^۱ جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و تضمین دسترسی به او است (طهماسی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۲۱). شناخت مقام تحقیق از متهم و شخصیت وی در نوع قرار تأمین و مبلغ احتمالی آن نقش شایانی دارد. زیرا با تبیین وضعیت جسمی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، شغلی و فرهنگی متهم در پرونده شخصیت، مقام قضایی متناسب با این شاخص‌ها قرار تأمین صادر می‌کند. در این راستا، ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری اصل تناسب تأمین را تبیین کرده و مقرر می‌دارد: «قرار تأمین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم... احتمال فرار یا مخفی شدن متهم... سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد».

عدم توجه قضات به وضعیت روحی و جسمی متهم (که از وظایف پزشکی و روان‌پزشکی قانونی در پرونده شخصیت است) و شخصیت و حیثیت اجتماعی

1. Criminal provision order.

وی (که از وظایف مددکاری اجتماعی در پرونده شخصیت است)، به موجب تبصره ماده ۲۵۰ قانون مزبور، موجب محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا خواهد شد. بنابراین، مقام تحقیق قبل از تفهیم اتهام به متهم (در صورت وجود ادله) باید از وصول پرونده شخصیت اطمینان حاصل کند. براین اساس، همان‌گونه که پیش‌تر نیز ذکر شد، ماده ۵ دستورالعمل مذکور برخلاف ماده ۲۵۰ است که تشکیل پرونده شخصیت را منوط به تفهیم اتهام و وجود ادله کافی می‌داند. زیرا در صورت وجود ادله و تفهیم اتهام، مقام قضایی بر اساس اصل تناسب تأمین، باید قرار تأمین کیفری صادر کند و صدور این قرار باید با ملاحظه پرونده شخصیت و شاخص‌های مربوطه انجام شود.

علاوه براین، به حکم عقل احتمال می‌رود که مقام قضایی تصمیم به بازداشت موقت متهم داشته باشد، اما وضعیت جسمانی و روحی متهم به گونه‌ای باشد که تحمل بازداشت یا حبس برای او امکان‌پذیر نباشد. آگاهی بازپرس از این وضعیت پیش از صدور قرار تأمین قضایی، موجب جلوگیری از فک بعدی آن خواهد شد. به همین دلیل، در تبصره ماده ۱۳ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت مقرر شده است: «پزشک معتمد... می‌تواند وجود بیماری مسری، صعب‌العلاج، موانع جسمی برای اجرای مجازات احتمالی حبس یا شلاق و توصیه‌های لازم درمانی و بهداشتی را اعلام کند تا مورد توجه قضات... قرار گیرد».

تأکید نگارنده براین است که بازپرس دستور تشکیل پرونده شخصیت را با وجود ادله نسبی و پیش از احضار متهم، و با رعایت مدت زمان لازم برای تشکیل این پرونده صادر کند. طبق ماده ۷ دستورالعمل اخیر: «واحد مددکاری اجتماعی مکلف است پس از دریافت دستور مقام قضایی نسبت به تشکیل پرونده شخصیت در سامانه اقدام کند و حداکثر ظرف بیست روز و در پرونده‌های زندانی دار حداکثر ظرف ده روز مراتب را به بازپرس یا دیگر مقامات قضایی مربوط اعلام کند». این مقرر دلال بر آن دارد که پیش از صدور قرار تأمین، دستور تشکیل پرونده شخصیت باید صادر شود. با این حال، به دلیل فراوانی پرونده‌های کیفری و کمبود نیروی انسانی در واحد مددکاری، این مهلت‌ها رعایت نمی‌شود و در برخی

موارد، همان گونه که در ادامه ذکر خواهد شد، تشکیل پرونده شخصیت ماه‌ها به طول می‌انجامد و گاهی بعد از صدور کیفرخواست واصل می‌شود. در نتیجه، این پرونده نقش مؤثری در صدور قرار تأمین و مرحله تحقیقات مقدماتی ایفا نمی‌کند.

نکته حائز اهمیت، صدور قرار تأمین قضایی برای اشخاص زیر ۱۸ سال است. با توجه به وضعیت روحی و جسمانی اطفال و نوجوانان و متفاوت بودن هدف دادرسی و صدور قرار تأمین نسبت به آن‌ها در مقایسه با سایر اشخاص، ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری پس از بیان اصل عدم صدور قرار تأمین منتهی به بازداشت یا نگهداری موقت در قانون اصلاح و تربیت برای این افراد، تصریح می‌کند: «در صورت ضرورت، اخذ کفیل یا وثیقه تنها از متهمان بالای پانزده سال امکان‌پذیر است. در صورت عجز از معرفی کفیل یا ایداع وثیقه، یا در مورد جرائم پیش‌بینی شده در ماده (۲۳۷) این قانون، دادسرا یا دادگاه می‌تواند با رعایت ماده (۲۳۸) این قانون، قرار نگهداری موقت آنان را در قانون اصلاح و تربیت صادر کند»^۱.

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های احراز این ضرورت، وضعیت و شخصیت متهم بالغ زیر ۱۸ سال است؛ چراکه لزوم جلوگیری از آسیب به نوجوانان ایجاب می‌کند که در مواجهه با جرائم آنان، برخوردی متفاوت صورت گیرد. این نگرش افتراقی در ماده ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح شده و مقرر می‌دارد: «علاوه بر موارد مذکور در ماده (۳۰۲) این قانون، در جرائم تعزیری درجه پنجم و شش نیز، تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است».

اثرگذاری تشکیل پرونده شخصیت در صدور قرار نظارت قضایی^۲ نیز حائز اهمیت است. ماده ۲۴۷ قانون یادشده به بازپرس این اختیار را داده که بتواند در کنار قرار تأمین، قرار نظارت قضایی حاوی دستورهایی را صادر کند. باید ارتباطی میان جرم ارتكابی و اقدام ممنوع مندرج در بندهای «ب» تا «ث» این ماده وجود

۱. این امر در ماده ۱۶ حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل برای دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن) مورد تأیید قرار گرفته است.

2. Judicial supervision order.

داشته باشد و لزوم در نظر گرفتن این ارتباط ناشی از اصل تناسب قرار نظارت قضایی است (خالقی، ۱۴۰۲، ص ۳۴۷). بنابراین، ملاحظه پرونده شخصیت توسط بازپرس، هم در اصل صدور قرار نظارت قضایی و هم در نوع دستور ایجابی (بند الف) یا سلبی (سایر بندها)، که همواره باید بر اساس اصل تناسب صادر شود، مؤثر است. قطعاً، شناخت مقام تحقیق از اعتیاد یا عدم اعتیاد متهم، سوابق اجتماعی، فردی، مادی و شغلی وی باعث می‌شود که بهترین دستور، طبق بندهای «الف» تا «ث» ماده ۲۴۷، برای بهبود وضعیت متهم و جلوگیری از ارتکاب مجدد رفتار مجرمانه صادر شود.

نکته شایان توجه دیگر مربوط به قرار تأمین کیفری اشخاص حقوقی و نقش پرونده شخصیت در آن است. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، تشکیل پرونده شخصیت برای اشخاص حقوقی در برخی از جرائم حاوی کیفرهای مندرج در ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری، الزامی تشخیص داده شده است. ماده ۶۹۰ این قانون، در مقام تعیین انواع تأمین کیفری اشخاص حقوقی، بیان می‌کند: «در صورت وجود دلیل کافی دایر بر توجه اتهام به شخص حقوقی و در صورت اقتضاء، منحصراً صدور قرارهای تأمینی زیر امکان‌پذیر است... الف- قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می‌کند. ب- قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی آن شود...». قرارهای پیش‌بینی شده، تناسب کافی با شدت و گستره فراوان جرائمی که اشخاص حقوقی امروزه در آن‌ها درگیر شده و تعداد زیادی از افراد را به‌ویژه در حوزه‌های مالی و اقتصادی قربانی اقدامات زیان‌بار خود می‌کنند، ندارد (کاظمی و چگینی، ۱۴۰۲، ص ۳۲۹). با این حال، نوع قرار تأمین یا جلوگیری از فعالیت‌های خاص، مستلزم تشکیل پرونده شخصیت و بررسی سوابق اقتصادی، شغلی و اجتماعی شخص حقوقی است تا از رهگذر آن بازپرس بتواند تصمیم شایسته‌ای در جهت جلوگیری از تکرار جرم، که از مبانی تشکیل پرونده شخصیت است، اتخاذ نماید.

در تبیین رویه قضایی و دیدگاه قضات در مرحله تحقیقات مقدماتی پیرامون جایگاه

پرونده شخصیت در قرار تأمین کیفری و نظارت قضایی، مصاحبه‌هایی انجام شد. آنچه از این مصاحبه‌ها و مطالعه پرونده‌ها به دست آمد، این بود که پرونده شخصیت غالباً هنگام صدور قرار تأمین کیفری یا نظارت قضایی تشکیل نمی‌شود. با وجود این که در پرونده‌های اتهامی، در زمان صدور قرار تأمین، اغلب نبود پرونده شخصیت مشهود بود، اما در قرارهای تأمین از نوع اخذ کفیل و اخذ وثیقه، به طور کلی در متن قرار به عبارات «وضعیت جسمی و روحی» و «شخصیت و حیثیت او» یعنی متهم، اشاره شده است. این قرارها به صورت پیش فرض در سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی وجود دارد و در تمام شعب و مراحل رسیدگی جنایی به همین شکل صادر می‌شوند، مگر آن که مقام قضایی تغییری در آن ایجاد کند، که آن هم معمولاً در مبلغ و مواد استنادی صورت می‌گیرد. در پیش فرض قرار اخذ وثیقه چنین آمده است: «در خصوص اتهام... مبنی بر...، با استناد به بند (خ) ماده ۲۱۷ و ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، نظریه ضرورت امر و با عنایت به نوع و اهمیت جرم موضوع پرونده و شدت مجازات آن، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، همچنین با توجه به سابقه، وضعیت جسمی و روحی، سن، شخصیت و حیثیت او، قرار اخذ وثیقه به مبلغ... از حال تا ختم دادرسی و اجرای رای صادر می‌شود و اعلام می‌گردد...».

در خصوص قرار یاد شده و با توجه به اسناد و مدارک پرونده‌ها، ذکر نکاتی ضروری است:

۱. علی‌رغم پیش فرض قرارهای وثیقه و کفالت مبنی بر توجه به وضعیت جسمی، روحی و شخصیت متهم، از یک سو، مقام تحقیق فاقد هرگونه شاخص و ابزار برای بررسی این مولفه‌ها در زمان صدور قرار تأمین است، زیرا در این مرحله غالباً پرونده شخصیت واصل نشده یا اساساً دستوری برای تشکیل آن صادر نگردیده است. از سوی دیگر، طراحان سیستم مدیریت پرونده‌های قضایی با درج این پیش فرض هم بار تکالیف مقام قضایی را کاهش داده‌اند و هم به متهم این اطمینان را داده‌اند که وضعیت جسمی، روحی و شخصیت وی در تأمین صادره لحاظ شده است، در حالی که در واقع چنین نیست.

۲. توجه به سایر قرارهای پیش فرض سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی، از جمله قرار بازداشت موقت، نشان می‌دهد که از عبارات مشابه در این قرارها استفاده نشده است. تفاوت و دلیل این تفکیک، با توجه به لزوم رعایت اصل تناسب تأمین در تمامی قرارها به موجب ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری، مشخص نیست.^۱

۳. همان‌گونه که ذکر شد، برخی قضات در مصاحبه‌ها به فک قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم با توجه به پرونده شخصیت وی اشاره کرده‌اند. صرف نظر از این که در هیچ پرونده‌ای فک قرار تأمین که موجه نمودن آن براساس محتویات پرونده شخصیت باشد، مشاهده نشد، به نظر می‌رسد اقلیتی از قضات دادرسی فک قرار تأمین به محتویات پرونده شخصیت توجه می‌کنند، اما در متن قرار بدان اشاره نمی‌شود. دلیل این امر این است که پیش فرض فک قرار در سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی به طور موجز و به شکلی تنظیم شده که مولفه‌های پرونده شخصیت و سایر شاخص‌های مندرج در قرار وثیقه در آن ذکر نشده است.^۲ از سوی دیگر، با مشاهده تعداد محدودی از پرونده‌ها، مشخص شد که در روزهای پس از وصول پرونده شخصیت، قرار تأمین برخی از متهمان بازداشتی فک شده است، که این امر صحت گفته‌ها را تأیید می‌کند.

نکته پایانی این بخش آن است که تشکیل پرونده شخصیت در احراز شرایط صدور قرار بازداشت موقت مندرج در ماده ۲۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری نیز بسیار مؤثر است. بررسی ارتباط متهم با بزه دیده و شهود، کیفیت این ارتباط، گستره اخلاف در نظم عمومی ناشی از ارتکاب جرم یا آزادی متهم، و خطرات احتمالی برای جان

۱. در قرار بازداشت موقت چنین آمده است: «در خصوص اتهام... دایریر... با توجه به دلایل، قرائن و امارات موجود از جمله: ...، موضوع معنونه مشمول بند... ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی است؛ لذا نظریه این که آزاد بودن متهم: ... و به طریق دیگری نمی‌توان از آن جلوگیری کرد. مستندا به ماده ۲۵۰ و بند (د) ماده ۲۱۷ و بند... ماده ۲۳۸ قانون مذکور، قرار بازداشت موقت صادر و اعلام می‌شود...».

۲. در فک قرار تأمین منتهی به بازداشت از نوع وثیقه آمده است: «نظریه این که در خصوص متهم آقای... به اتهام... قرار تأمین از نوع وثیقه در تاریخ... به مبلغ... صادر شده است، با عنایت به ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری، قرار تأمین مذکور فک و به قرار تأمین از نوع... به مبلغ... تخفیف / تبدیل می‌یابد...».

متهم، بزه دیده، شهود و خانواده آنها، تنها با مطالعه دقیق پرونده شخصیت که توسط واحد مددکاری با در نظر گرفتن همه ابعاد تنظیم شده است، امکان پذیر است. با این حال، قضات در توجیه شرایط صدور قرار بازداشت موقت، بدون استناد به پرونده شخصیت، معمولاً بر اساس بیم فرار یا اخفای متهم به موجب بند «ب» ماده ۲۳۸ این قانون اقدام به صدور این قرار می کنند. در حالی که مطالعات جرم شناسانه نشان می دهند که احتمال خطر فرار متهم اغلب به نادرستی قضاوت می شود و بسیاری از افراد به اشتباه در بازداشت پیش از محاکمه نگه داشته می شوند (رضوی فرد، ۱۳۹۵، ص ۱۵۲).

۲. تأثیرپذیری قرار نهایی و کیفرخواست از پرونده شخصیت

قانون گذار، در چارچوب رویکرد بالینی به جرم و با هدف «علت شناسی جنایی» و «اصلاح مجرمین» (موضوع قسمت اخیر بند ۵ اصل ۱۶۵ قانون اساسی)، از یک سو، بازپرس را مکلف کرده است که پرونده شخصیت متهم را در کنار پرونده عمل مجرمانه و با کمک واحد مددکاری، که خود نهادی جدید در حقوق ایران محسوب می شود (مواد ۴۸۶ و ۴۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری) و از لوازم جرم شناسی بالینی است،^۱ تشکیل دهد. از سوی دیگر، دادستان ملزم است که در کیفرخواست، «خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم» را قید کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵، ص ۹۸). در این بخش به تکالیف بازپرس و دادستان نسبت به کاربرد پرونده شخصیت در قرار نهایی و کیفرخواست می پردازیم.

۲-۱. قرار نهایی

یکی از ضرورت های نظام های کیفری نوین، استفاده از روش هایی است که کمترین هزینه و بیشترین کارایی را به همراه داشته باشد. رویکرد موقعیت مدار تعقیب یکی از برجسته ترین شیوه های مدیریت جرم است که با نگرش گزینشی به نوع جرم، شخصیت متفاوت متهمان و رابطه آنها با بزه دیده، سعی دارد نظام قانونی

۱. برای اطلاعات بیشتر در خصوص این مفهوم، رجوع کنید به: بابایی، ۱۳۹۰.

بودن تعقیب را تعدیل نماید (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۶، ص ۵۸). قاعده مناسب بودن تعقیب^۱ که به اصل «مقتضی بودن تعقیب»^۲ شهرت دارد، یکی از ابزارهای سیاست کیفری اجرایی و قضازدایی^۳ است که در شروع رسیدگی به دعوی کیفری، اختیار و آزادی در تعقیب یا عدم تعقیب متهم به ارتکاب جرم را برای مقام تعقیب فراهم می‌آورد (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۵۶). آگاهی مقام تعقیب از شخصیت متهم، که تشکیل پرونده شخصیت اساسی‌ترین ابزار برای تحصیل آن است، نقش مهمی در ادامه تعقیب بر مبنای اصل قانونی بودن تعقیب^۴ یا عدول از آن و تعیین جایگزین‌های کیفری متناسب با وضعیت متهم دارد.

اگرچه در سیاست جنایی ایران، نظام قانونی بودن تعقیب^۵ در مرحله شروع به تعقیب مورد پذیرش واقع شده است، قانون‌گذار در راستای رویکرد موقعیت‌مدار تعقیب با پیش‌بینی قرارهای نهایی تعلیق تعقیب^۶ و بایگانی موقت پرونده^۷ قدم‌هایی در جهت پذیرش قاعده اقتضاء تعقیب برداشته است.

با توجه به مراتب یاد شده، از یک طرف، تمامی قرارهای نهایی مرحله تحقیقات مقدماتی نمی‌توانند از پرونده شخصیت تأثیر بگیرند، اما کاربرد حداکثری پرونده شخصیت در قرارهایی برجسته است که دادستان به عنوان مدیر تعقیب، بر اساس اصل اقتضای تعقیب و با در نظر گرفتن شخصیت و وضعیت متهم، عواقب سوء فرایند کیفری و محکومیت متهم را بیش از منافع آن برای جامعه ارزیابی کرده و تعلیق دعوای عمومی را مناسب تشخیص می‌دهد. از طرف دیگر، تشکیل پرونده شخصیت در برخی قرارهای نهایی دیگر چون قرار منع تعقیب، برخی از جهات

۱. بر اساس این نظام، دادستان می‌تواند بر مبنای صلاحدید خود عمل کرده و از تعقیب جرائمی که نفعی به جامعه نمی‌رسانند، خودداری کند (یوسفی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۶۰).

2. The principle of appropriateness of prosecution.

3. Diversion.

4. The principle of legality of prosecution.

۵. بر مبنای این نظام، دادستان مکلف به انجام تعقیب است و هیچ حقی برای سازش با متهم یا صرف نظر کردن از تعقیب وی ندارد (طهماسبی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۱۲).

6. Suspension of prosecution.

7. Temporary filing of the case.

صدور قرار موقوفی تعقیب، قرار توقف تعقیب و حتی قرار جلب به دادرسی نیز می‌تواند مفید واقع شود. اکنون به تأثیرپذیری قرارهای نهایی از پرونده شخصیت خواهیم پرداخت.

۱-۱-۲. قرار تعلیق تعقیب

گاهی شرایط ارتکاب جرم به گونه‌ای است که نشان می‌دهد مرتکب برای نخستین بار و تحت تأثیر عوامل جرم‌زا به ارتکاب رفتار مجرمانه پرداخته است. بزه دیده از جرم شکایتی نداشته یا اعلام گذشت کرده، و آثار زیان بار جرم بر نظم عمومی نیز اندک است. در چنین شرایطی، آثار نامطلوب تعقیب (از جمله آلوده شدن به محیط جرم‌زای زندان و ایجاد حس انتقام‌جویی از جامعه) بیشتر از فواید آن خواهد بود. ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری، با تصویب نهاد تعلیق تعقیب در راستای همین فلسفه گام برداشته و به دادستان این اختیار را داده که بر اساس شخصیت متهم، تعقیب او را برای مدتی به حالت تعلیق درآورد. این ماده مقرر می‌دارد: «در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته باشد، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران شده باشد و یا با موافقت بزه‌دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند...».

احراز شرایط و متناسب‌سازی تدابیر و دستورهای مقرر با بزه ارتكابی^۱ تنها با استفاده از ظرفیت پرونده شخصیت ممکن است. زیرا نقش اساسی در ارتکاب جرم را «شخصیت» مرتکب بر عهده دارد و این شخصیت به تناسب تفاوت روان، جسم و محیط پیرامونی هر فرد متفاوت است. بنابراین، باید برای هر فرد متناسب با

۱. برخی از دستورها و تدابیر موجود در این ماده، در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، به‌عنوان مجازات تکمیلی شناخته شده‌اند. واضح است که تلقی مجازات از این نوع دستورها صحیح نبوده و منظور همان واکنش‌های تعزیری غیرکیفری یا تدابیر جنایی است (ابراهیمی و بازویند، ۱۳۹۷، ص ۱۰۶).

شخصیت و عناصر تشکیل دهنده آن، تدبیر مناسب تعیین شود تا برخورد قانونی کارآمدی داشته باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۱).

با این همه، قانون‌گذار با محدودسازی تشکیل پرونده شخصیت به جرائم تعزیری درجه چهار و بالاتر (ماده ۲۰۳) و اجرای نهاد تعلیق تعقیب در جرائم تعزیری درجه شش تا هشت (ماده ۸۱)، عملاً تشکیل و بهره‌گیری از پرونده شخصیت در نهاد تعلیق تعقیب را در اغلب موارد غیرممکن ساخته است. تنها در خصوص جرائم تعزیری درجه شش اطفال و نوجوانان، بر اساس ماده ۲۸۶ قانون مذکور، امکان استفاده از اطلاعات پرونده شخصیت برای صدور قرار تعلیق تعقیب وجود دارد. بنابراین، اگرچه قانون‌گذار در اعطای تعلیق تعقیب به شخصیت مجرم خصوصاً در تعیین دستورها توجه کرده، مشخص نکرده است که مقام قضایی برای مطلع شدن از سوابق و وضعیت فردی، شغلی و اجتماعی متهم از چه ابزاری باید استفاده کند.^۱ با توجه به این که درجه خطرناکی و نوع حالت خطرناک متهم لزوماً با جرم ارتكابی او منطبق نیست و محتوای پرونده شخصیت می‌تواند برای تعیین مجازات مناسب‌تر به حال متهم (مطابق مواد ۳۷، ۳۸ و ۳۹ قانون مجازات اسلامی) مفید باشد، لذا تنظیم آن برای مرتکبان جرائم دست کم درجه پنج و شش تعزیری نیز موضوعیت دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵، ص ۹۸). از سوی دیگر، تشکیل پرونده شخصیت در جرائم شدید توجیه چندانی ندارد، زیرا اگر هدف از شناخت مرتکب، فردی کردن مجازات و اصلاح متهم است، محدود کردن آن به جرائم جدی، سایر بزهکاران را از این امکان محروم می‌سازد (رضوانی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۴).

به رغم عدم پیش‌بینی و ممنوع‌انگاری تقنینی، نگارنده معتقد است که در تمامی مواردی که به موجب قانون، اقتضای اتخاذ تصمیم قضایی مستلزم شناخت شخصیت متهم است، مقامات قضایی در دادسرا و دادگاه می‌توانند با رویه‌سازی و اتخاذ سیاست قضایی نوین، دستور تشکیل پرونده شخصیت را به واحد مددکاری صادر کنند. این دیدگاه صرف نظر از نوع جرم و درجه مجازات آن است. برخی از

۱. این سیاست تقنینی غیرقابل دفاع در نهادهای ارفاقی مشابه، به ویژه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از جمله تعویق صدور حکم، نیز قابل مشاهده است.

اندیشمندان جرم‌شناسی حتی در زمان حاکمیت قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و قانون آیین دادرسی کیفری سابق، قائل به تکلیف مقام قضایی در تشکیل پرونده شخصیت در موارد عدم پیش‌بینی صریح بودند و معتقدند: «قاضی کیفری برای استفاده آگاهانه و جرم‌شناسانه از اختیارات قانونی خود جهت فردی کردن قضایی پاسخ کیفری و صدور مناسب‌ترین و عادلانه‌ترین حکم یا تصمیم نسبت به بزه‌کار، عملاً و برای اقناع وجدان قضایی خود، به طور ضمنی مکلف به تنظیم نوعی پرونده شخصیت شده است» (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۰).^۱

بند «ح» ماده ۱۴ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت، مقامات قضایی را متوجه اهمیت استفاده از پرونده شخصیت در اتخاذ تصمیم درباره صدور قرار تعلیق تعقیب و نهادهای مشابه نموده است و اشعار می‌دارد: «در سایر مواردی که به موجب قانون، اقتضای اتخاذ تصمیم مستلزم در نظر گرفتن وضعیت متهم است»، با استناد به پرونده شخصیت تصمیم‌گیری می‌شود. استدلال اخیر در بند «الف» ماده ۱۴ دستورالعمل نیز تصریح شده است: «قرارهایی مانند ترک تعقیب، تعلیق تعقیب، بایگانی کردن پرونده و ارجاع به میانجیگری که تحقیقات با صدور آن‌ها متوقف می‌شود»، با توسل به پرونده شخصیت صادر می‌شود. براین اساس، معیار اصلی برای استفاده کارآمد از نهاد تعلیق تعقیب به منظور تحقق دادرسی عادلانه، در نظر گرفتن شخصیت متهم است. این امر از طریق پرونده شخصیت در دادسرا ممکن می‌شود تا دادستان با در نظر گرفتن شخصیت متهم، تصمیم مناسب مبنی بر اعمال تعلیق تعقیب یا عدم استفاده از آن را اتخاذ کند (سبزه‌علی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۷۸).^۲

۱. ایشان با طرح پرسش‌هایی برای تبیین موضوع مقرر فرموده‌اند: «آیا وقتی قاضی دادگاه در مقام اعمال ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی می‌خواهد مجازاتی مناسب‌تر به حال متهم به استناد بند ۳ (اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آن مرتکب جرم شده است) یا بند ۵ (وضع خاص متهم و یا سابقه او) صادر کند، به تنظیم نوعی پرونده شخصیت از متهم علاوه بر پرونده کیفری، نیاز پیدا نمی‌کند؟ یا آن‌گاه که قانون‌گذار در باب تعلیق اجرای مجازات در بند «ب» ماده ۲۵ مقرر می‌دارد که (دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه... اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را مناسب نداند)، به ترتیبی قاضی کیفری را به سوی تشکیل پرونده شخصیت بزه‌کار سوق نمی‌دهد و تشویق نمی‌کند؟».

۲. تبصره ۵ ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، دادگاه می‌تواند مقررات این ماده را اعمال کند».

دادستان و سایر مقامات قضایی، مطابق تجویز ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری، می‌توانند پیش از اتخاذ تصمیم نهایی، با ملاحظه پرونده شخصیت و ویژگی‌های فردی متهم، ضمن موافقت با درخواست متهم جهت اعطای مهلت سازشی یا ارجاع به میانجیگری، فرصتی برای حصول سازش با بزه‌دیده به وی اعطا کنند. در صورت اخذ رضایت و در جرائم غیرقابل گذشت، زمینه صدور قرار تعلیق تعقیب فراهم می‌شود. در این راستا، بازپرس به موجب تبصره ۴ ماده ۸۱ و تبصره ماده ۸۲ قانون اخیر می‌تواند با مطالعه پرونده شخصیت، که حسب دستور وی تشکیل شده است، تعلیق تعقیب یا اعطای مهلت و ارجاع به میانجیگری را از دادستان تقاضا کند.

۲-۱-۲. قرار بایگانی موقت پرونده

یکی دیگر از نهادهایی که در راستای اصل موقعیت مدار بودن تعقیب در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است، نهاد بایگانی کردن موقت پرونده است. این قرار وسیله‌ای برای مختومه ساختن پرونده‌های کم‌اهمیتی است که اوضاع و احوال جرم، وضعیت متهم و فقدان پیشینه کیفری او، عدم تعقیب کیفری متهم را موجه‌تر می‌سازد (خالقی، ۱۴۰۲، ص ۱۳۱). در ماده ۸۰ قانون مزبور آمده است: «در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضائی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یک بار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض است.»

صدور این قرار به موجب ماده ۳۴۰ قانون مزبور از اختیارات دادگاه است. اگرچه تشکیل پرونده شخصیت در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت پیش‌بینی نشده است، ایرادی که در مبحث قرار تعلیق تعقیب مطرح شد و استدلال‌هایی در جهت لزوم تشکیل آن ارائه شد، در این قسمت نیز وارد است. با این حال، ابزار احراز مولفه‌های موجود در این ماده، به‌عنوان پیش‌شرط اعمال این نهاد ارفاقی، اطلاعات

مندرج در پرونده شخصیت است. این اطلاعات از طریق تشکیل و بهره‌گیری از داده‌های شخصی نظیر وضعیت مادی، خانوادگی، کیفی، اجتماعی و شغلی متهم به دست می‌آید تا تصمیم مقتضی و مناسبی اتخاذ شود.

به عبارت دیگر، احراز استحقاق مجرم برای صدور قرار بایگانی موقت پرونده و تشخیص وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی او، مستلزم انجام آزمایش‌های متعدد جسمانی، روانی و اجتماعی توسط متخصصان است. این متخصصان باید متهم را برای مدتی تحت نظارت و بررسی قرار دهند تا از طریق تشکیل پرونده شخصیت، گزارشی جامع در خصوص تمامی ابعاد شخصیتی مجرم تهیه و به مقام قضایی ارائه شود. دادگاه از طریق محتویات پرونده شخصیت تشخیص می‌دهد که آیا متهم، صلاحیت بایگانی نمودن پرونده را دارد یا خیر.

۲-۱-۳. سایر قرارهای نهایی

اگرچه نحوه تدوین مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۲، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۱۴ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت، نشان می‌دهد که تشکیل پرونده شخصیت تنها در برخی قرارهای نهایی معین اثربخش است، اما به منظور بهره‌مندی حداکثری از این پرونده و عدم محدودسازی مقام قضایی، می‌توان در قرارهای نهایی معمول مانند قرار منع تعقیب، قرار موقوفی تعقیب و قرار جلب به دادرسی نیز از این پرونده بهره گرفت. ذکر نمونه‌هایی از کاربرد پرونده شخصیت در این قرارها، اهمیت دوچندان آن را نشان می‌دهد.

به موجب ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری، در صورت جرم نبودن رفتار ارتكابی یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر می‌شود. ممکن است بازپرس با باور به وجود ادله نسبی، شخصی را احضار کند اما با ارزیابی شخصیتی (ضمن دعوت حضوری و بررسی پرونده شخصیت) و استماع دفاع متهم، این نتیجه حاصل شود که جرم ارتكابی با شخصیت و وضعیت متهم مطابقت ندارد. به عنوان مثال، در جرائم علیه حقوق مالی اشخاص، شناخت مولفه‌های اجتماعی، اقتصادی، شغلی و حرفه‌ای متهم و سابقه کیفری او می‌تواند در ارتكاب یا عدم ارتكاب رفتار مجرمانه تأثیرگذار باشد. همچنین، تشکیل پرونده

شخصیت در تشخیص عمد و غیر عمد بودن بزه نیز مفید است. برای مثال، در قتل عمد که ارکان آن به موجب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مشخص شده است، آگاهی از شخصیت متهم می‌تواند بر نوع تلقی بازپرس از عمد بودن یا نبودن رفتار ارتكابی تأثیر بگذارد.

به طور مثال، در پرونده شماره ۱۴۰۱۱۲۹۲۰۰۰۳۵۲۳۱۶۰ شعبه هشتم بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی شیراز، متهم ادعا می‌کرد که شلیک گلوله به سمت مقتول به دلیل تصور اشتباه وی از خالی بودن اسلحه بوده است. با تشکیل پرونده شخصیت و بررسی سوابق بین شاکی و متهم، که دلالت بر روابط دوستانه و همراهی آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی و ارتباط خانوادگی و عاطفی شدید داشت، احراز شد که دفاعیات متهم و غیر عمد بودن جنایت ارتكابی مقرون به صحت است. در قسمتی از قرار نهایی شماره ۱۴۰۲۱۲۳۹۰۰۰۳۰۷۳۰۹ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۲ چنین آمده است: «متهم به دفعات به نحو خانوادگی با مرحوم و همسر ایشان ارتباط و تردد داشته و حتی در نوبت‌های سابق دوره‌می، در خارج از منزل نیز اسلحه همراه برده و با مرحوم تیراندازی می‌کرده است و هر دو با همسران خویش در حال تفریح بوده و عکس‌های متعدد خانوادگی داشته‌اند».

تشکیل پرونده شخصیت به‌ویژه در جرائمی مفید است که بررسی شخصیت متهم به‌عنوان یکی از شرایط عنصر مادی جرم ضروری است. در این راستا می‌توان به جرائم زیر از قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ اشاره کرد:

- ماده ۵۵۵ (غصب عناوین و مشاغل) در صورتی که با بررسی پرونده شخصیت، متهم واقعاً شاغل در حرفه ادعایی باشد.

- ماده ۶۳۹ (دایر نمودن اماکن فساد و فحشا) که مداومت در ارتكاب عمل شرط است (حجتی، ۱۳۸۹: ۱۰۰۰) و با بررسی پرونده شخصیت و اطلاع از وضعیت اخلاقی و اجتماعی متهم، مشخص شود که اشتها و فعالیت‌های در این حوزه نداشته است.

- ماده ۶۶۲ (معامله اموال مسروقه) که با بررسی سوابق اجتماعی و اقتصادی متهم، اقدام ارتكابی حرفه او تلقی نگردد.

تأثیرپذیری مرحله تحقیقات مقدماتی از پرونده شخصیت / سعید قانلی ۳۶۷

- ماده ۶۶۹ (تهدید لفظی) در صورتی که در پرونده شخصیت به فقدان قدرت تکلم متهم با معاینه پزشکی اشاره شده باشد.

- ماده ۷۱۲ (تکدی گری و کلاشی) که احراز رکن مادی آن تنها با بررسی پرونده شخصیت ممکن است.

به موجب مواد ۱۳ و ۲۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، از موارد صدور قرار موقوفی تعقیب، توبه، جنون و فوت متهم است. درباره این که آیا امکان اعمال مقررات توبه توسط دادسرا وجود دارد یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد. از یک سو، به موجب مواد ۱۱۴ و ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و اشاره صریح به دادگاه، پذیرش این نهاد در دادسرا امکان پذیر نیست؛ از سوی دیگر، با توجه به صدر ماده ۱۳ و بند «ج» ذیل آن از قانون آیین دادرسی کیفری، توبه از مصادیق صدور قرار موقوفی تعقیب است.^۱

صرف نظر از نهاد یا مقام صادرکننده، همان گونه که پیش تر گفته شد، موضوعیت تشکیل پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی است؛ بنابراین دادگاه در این مرحله، در موارد طرح مستقیم پرونده (مانند جرائم منافی عفت وفق ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری)، می تواند با مراجعه به پرونده شخصیت و شناخت شخصیت جنایی متهم، شرط توبه که ندامت و اصلاح وی است را احراز کند^۲ و اقدام به صدور قرار موقوفی تعقیب کند. این موضوع در شیوه نامه احراز توبه مصوب ۱۴۰۳ نیز مورد تأکید قرار گرفته و ماده ۶ آن مقرر می دارد: «مقام قضایی مربوط خارج از نوبت با ملاحظه مواردی نظیر پرونده شخصیت، پرونده رفتاری و نظر نهادهای مذکور در ماده ۳ شیوه نامه به موضوع رسیدگی و در صورت احراز توبه، قرائن و امارات مربوط را در تصمیم خود درج می کند».

جهت دیگری برای صدور قرار موقوفی تعقیب، جنون است. ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد: «هرگاه بازپرس در جریان تحقیقات احتمال دهد متهم هنگام ارتکاب جرم مجنون بوده است، تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر

۱. مفاد بخش نامه شماره ۹۰۰۰/۱۷۵۷۷/۱۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۰ رئیس قوه قضائیه، موسوم به شیوه نامه احراز توبه، حکایت از امکان صدور قرار موقوفی تعقیب به استناد توبه توسط مقامات قضایی دادسرا دارد.

۲. ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه، هرگاه متهم قبل از اثبات جرم توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می گردد».

مطلعان به عمل می‌آورد، نظریه پزشکی قانونی را تحصیل می‌کند و با احراز جنون، پرونده را با صدور قرار موقوفی تعقیب نزد دادستان می‌فرستد. در صورت موافقت دادستان با نظر بازپرس، چنانچه جنون استمرار داشته باشد، شخص مجنون بنا بر ضرورت، حسب دستور دادستان به مراکز مخصوص نگهداری و درمان سازمان بهزیستی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منتقل می‌شود).

بدیهی است که معاینه روحی و روانی متهم، جزء بند «ب» ماده ۲۰۳ قانون مذکور و اطلاعات خانوادگی، اجتماعی و سوابق مشابه متهم، جزء بند «الف» این ماده است. دستور تشکیل پرونده شخصیت نقش بسزایی در تشخیص صحیح بازپرس و دادستان در انجام تکالیف مقرر در ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی دارد. در این راستا، تشکیل پرونده شخصیت در صدور قرار توقف تعقیب نیز به موجب تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون اخیرالگذار است.

از دیگر جهات صدور قرار موقوفی تعقیب، فوت متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی است. تشکیل پرونده شخصیت در این مرحله می‌تواند کمک شایانی به اجرای برخی از مواد قانونی، همانند تبصره ۱ ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی، نماید. این کمک از طریق احراز وضعیت شغلی، اقتصادی و سرمایه‌ای متهم در زمان ارتکاب جرم برای پرداخت دیه از اموال متهم فوت شده به مجنی علیه یا ولی دم مقتول صورت می‌گیرد. به عقیده نگارنده، فوت متهم نباید به معنای عدم تشکیل پرونده شخصیت تلقی شود (نگرش عموم بازپرسان دادسرا)، زیرا حتی در این موارد نیز تشکیل پرونده شخصیت می‌تواند مفید واقع شود.

کاربرد پرونده شخصیت در قرار جلب به دادرسی نیز بسیار سودمند است. بازپرس می‌تواند در مواردی که شخصیت متهم به نحوی است که تحت شرایط خاص مرتکب رفتار مجرمانه شده، در قرار جلب به دادرسی به این موضوع اشاره کرده و از ظرفیت پرونده شخصیت بهره ببرد. همان گونه که دادستان در کیفرخواست به خلاصه‌ای از آن می‌پردازد. برای مثال، چنانچه نهاد توبه در دادسرا قابل اعمال نباشد، بازپرس با تشکیل پرونده شخصیت و اشاره به ویژگی‌های

شخصیتی متهم، می‌تواند دادگاه را متوجه آمادگی شخصیت متهم برای صدور قرار موقوفی تعقیب به استناد توبه کند.

مصادق دیگر کاربرد پرونده شخصیت در دفاع مشروع افراطی^۱ است. در این حالت، متهم با تجاوز از حدود دفاع، مرتکب قتل مهاجم شده و به موجب تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی، شایسته محکومیت زدایی از قصاص و تبدیل قانونی کیفر به دیه و تعزیر است (قائدی، ۱۴۰۲: ۳۵۸). شناخت شخصیت متهم و اشاره موجزه آن در قرار جلب به دادرسی، نقش کلیدی در استفاده از نظر بازپرس، که تحقیقات مقدماتی را با دقت و حساسیت انجام داده، توسط دادگاه خواهد داشت. در پایان این بخش، تحلیل رویه قضایی نسبت به تأثیرگذاری پرونده شخصیت در قرارهای نهایی ضرورت دارد. علی‌رغم موارد توصیفی که بی‌شک در پاسخ به دیدگاه برخی قضات برای بهره‌مندی از پرونده شخصیت در قرار نهایی، ایده آل به نظر نمی‌رسد، مقامات مرحله تحقیقات مقدماتی نیز در این زمینه کارنامه قابل دفاعی ندارند. نگارنده در حین مصاحبه و مطالعه پرونده‌ها، با قرار نهایی که از پرونده شخصیت تأثیر گرفته باشد، مواجه نشده است.

ارزیابی مصاحبه‌ها نتایج زیر را در بر دارد:

یکم- برخی از قضات مرحله تحقیقات مقدماتی، که بیشتر مصاحبه‌شوندگان را تشکیل می‌دهند، هرگونه استفاده از پرونده شخصیت در قرار نهایی از هر نوعی رارد می‌کنند.

دوم- برخی از قضات متوجه اثرگذاری پرونده شخصیت در قرار نهایی نیستند و در صورت اطلاع، طبق گفته‌های خود، از آن بهره‌برداری می‌کردند. این مهم نیازمند دسته‌بندی تصمیمات قضایی تأثیرپذیر از پرونده شخصیت، مطابق بخش‌نامه یا از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی است.

سوم- اقلیتی از قضات از پرونده شخصیت برای تشخیص عمد و غیرعمد بودن رفتار و احراز رکن معنوی استفاده می‌کنند، که به جلوه‌ای از این موضوع اشاره شد.

چهارم- دیدگاه‌های متفاوت و متعارضی مشاهده شد؛ برخی از قضات در قرار

1. Extremist legitimate defense.

تعلیق تعقیب برای نوجوانان به تشکیل پرونده شخصیت قائل بودند، اما در سایر قرارهای نهایی با تشکیل آن مخالف بودند. با این حال، برخی از همین گروه پاسخ به این پرسش که آیا برای قرار تعلیق تعقیب یا پیشنهاد آن (در موارد غیر الزامی تشکیل)، پرونده شخصیت تشکیل می‌دهند یا خیر؟ به معضلات عملی در توجیه چرایی عدم تشکیل پرونده اشاره داشتند.

۲-۲. کیفرخواست

کیفرخواست^۱ ماهیتی انشایی ندارد، بلکه یک اقدام شکلی یا ادعانامه است که دادستان مکلف به تنظیم آن است. این ادعانامه حکایت از انجام اقدامات پیشینی برای شروع یک فرایند پسینی، یعنی آغاز محاکمه، دارد (طهماسبی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۲۸۲). یکی از مواردی که به موجب بند «چ» ماده ۲۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری باید در کیفرخواست قید شود، «خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم» است. اگرچه قانون‌گذار به نحو کلی درج خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم را ضروری دانسته است، اما این الزام تابع ضوابط مقرر در مواد دیگر از جمله مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ قانون مذکور است. بنابراین، چنانچه جرائم یا کیفرقانونی آن‌ها از موارد ضروری تشکیل پرونده شخصیت نباشد، نیازی به درج این موارد در کیفرخواست نیست.

با این حال، دادستان به عنوان مقام تقاضاکننده کیفر، در صورت شناخت دقیق از شخصیت متهم، می‌تواند مجازاتی متناسب با وضعیت او را مطالبه کند. پس از صدور کیفرخواست، در صورت صدور حکمی غیرمتناسب، دادستان می‌تواند بر اساس بند «پ» ماده ۴۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری، با توجه به اشرافی که از پرونده شخصیت در زمان صدور کیفرخواست داشته، به دادنامه اعتراض نماید. به این ترتیب، دادستان می‌تواند، حتی در موارد غیر از مواد ۲۰۳ و ۲۸۶، در راستای حسن انجام نظارت یا ارائه تعلیمات لازم طبق ماده ۷۳ قانون مذکور، مقامات تحقیق را به تشکیل پرونده شخصیت در موارد مورد نظر ارشاد نماید.

1. Indictment.

به موجب تبصره ۲ ماده ۷ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت، در زمان صدور قرار جلب به دادرسی، همراه با پرونده اتهامی، پرونده شخصیت متهم نیز به دادستان ارسال می‌شود. عدم ارسال پرونده شخصیت، طبق ماده ۳۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، باعث نقص تحقیقاتی می‌شود و دادستان باید آن را درج کند و پرونده را به شعبه صادرکننده قرار برای رفع نقص اعاده نماید.

در صورت صدور کیفرخواست و رضایت شاکی پیش از ارسال پرونده به دادگاه، ضمیمه نمودن پرونده شخصیت می‌تواند زمینه صدور قرار تعلیق تعقیب را در جرائم غیرقابل گذشت، طبق تجویز ماده ۲۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری، فراهم کند و از اطاله پرونده با بازگشت آن پس از اعلام رضایت برای بررسی ابعاد شخصیتی متهم جلوگیری کند.

با مطالعه بیش از سی کیفرخواست صادر شده (در موارد الزامی تشکیل پرونده شخصیت و در قتل عمد)، هیچ اشاره‌ای به خلاصه پرونده شخصیت براساس تکلیف مقرر در بند «ج» ماده ۲۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری مشاهده نشد. تنها به سابقه و شغل متهم اشاره شده است که این اطلاعات نیز از طریق اخذ سوابق توسط پلیس، سامانه‌های قضایی یا خوداظهاری متهم به دست آمده‌اند.

پیش از پایان بحث پیرامون تأثیرپذیری مرحله تحقیقات مقدماتی از پرونده شخصیت، ذکر این نکته ضروری است که برخی با انتقاد از تشکیل پرونده شخصیت در این مرحله معتقدند که با توجه به اصل برائت در مرحله دادرسی، تجسس در زندگی فردی که اتهام او اثبات نشده است، صحیح نیست. این دسته بر این باورند که در صورت رفع اتهام، تشکیل پرونده شخصیت به نوعی تجسس پرهزینه در زندگی فرد تلقی می‌شود و دادرسی با این اقدام زمینه سوءاستفاده و لکه‌دار شدن حیثیت فرد را فراهم می‌کند (آقامیرسلیم، ۱۳۹۰، ص ۹۸).

به عقیده نگارنده، این تلقی ناصحیح است. در مطالب پیشین، تأثیر قابل توجه تشکیل این پرونده در تصمیمات قضایی، از جمله شناخت شخصیت متهم به منظور صدور قرار منع تعقیب، به وضوح مطرح شد. با توجه به این که محتویات پرونده شخصیت محرمانه است و این امر در ماده ۱۶ دستورالعمل تشکیل پرونده

شخصیت نیز تصریح شده است.^۱ بنابراین، با رعایت محرمانگی و اجرای اقدامات مقتضی در راستای تشکیل پرونده شخصیت، آسیبی به حیثیت متهم وارد نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

گسترش قلمرو اصل تفرید تصمیم به تمامی مراحل دادرسی کیفری، به ویژه مرحله تحقیقات مقدماتی، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای جرم‌شناسی نوین و از مبانی تغییر نگرش قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری جدید است. فردی کردن تحقیقات مقدماتی به منزله اصلی ضروری و تجلی آن در تصمیمات قضایی، نیازمند ابزارهایی است که تشکیل پرونده شخصیت از اساسی‌ترین آن‌ها برای علت‌شناسی جنایی محسوب می‌شود. زیرا با تشکیل این پرونده، مجموعه‌ای از اطلاعات در خصوص وضعیت بزه‌کاران، بزه‌دیدگان و ماهیت رفتارهای مجرمانه گردآوری می‌شود.

این پرونده که شامل اطلاعات شخصی متهم از قبیل سوابق فردی، خانوادگی، اجتماعی، تحصیلی، وضعیت شغلی، اقتصادی، پزشکی، روان‌پزشکی و سوابق کیفری است، به موجب مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی تشکیل می‌شود. هدف از تشکیل این پرونده، شناخت شخصیت جنایی متهم و فراهم کردن دیدگاه جدیدی برای مقامات قضایی دادرست. این شناخت کمک می‌کند تا تصمیمات قضایی در مقاطع مختلف تحقیقات مقدماتی، متناسب با شخصیت متهم اتخاذ شوند. به این ترتیب، مقامات تعقیب و تحقیق با مراجعه به این پرونده و اشراف بر ابعاد مختلف شخصیت متهم، می‌توانند در راستای فردی کردن تحقیقات مقدماتی، عادلانه‌ترین تصمیم را برای بازسازی یا تنبیه مرتکب اتخاذ کنند.

۱. این ماده مقرر می‌دارد: «محتویات پرونده شخصیت مجرمانه است و افشای آن جز توسط متهم موضوع پرونده ممنوع است.» تبصره ماده ۲۱ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت نیز به نحو ضمنی دلالت بر عدم دسترسی سایر اشخاص (غیر از متهم و وکیل وی) به پرونده شخصیت دارد.

به رغم محدودسازی قانون گذار با پیش بینی برخی از کیفرها و محدودانگاری قضات داسرا و تقید نسبی آن ها به موارد الزامی تشکیل پرونده شخصیت، می توان با بهره گیری حداکثری از آن، تمامی اجزای تصمیمات قضایی را، صرف نظر از نوع جرم و کیفر، تحت تأثیر پرونده شخصیت و اطلاعات آن قرار داد. این تأثیرپذیری با تحصیل ادله کافی مبنی بر توجه اتهام به متهم آغاز می شود و از فرایند احضار و جلب، تا مراحل تفهیم اتهام، اخذ دفاع متهم، صدور قرار تأمین کیفری و نظارت قضایی را شامل شده و سرانجام به قرار نهایی و کیفرخواست منتهی می شود. با این همه، سیاست جنایی قضایی داسرا در کار بست پرونده شخصیت موفقیت چندانی نداشته است. تشکیل این پرونده در عمل بیشتر به صورت تشریفاتی انجام می شود و فاصله ای محسوس میان آرمان توصیف شده و آنچه در رویه قضایی ایران رخ می دهد، وجود دارد.^۱

علل عمده ناکامی از دیدگاه قضات داسرا، بر اساس بررسی میدانی، مصاحبه و مطالعه پرونده های قضایی، به موارد زیر بازمی گردد: نگرش و فرهنگ حاکم بر قضات، ضعف در آموزش و تخصص، نبود زیرساخت های مناسب و فقدان معیار زمانی مشخص برای تشکیل پرونده شخصیت. مقامات داسرا، در تشکیل پرونده شخصیت، بیشتر به فرهنگی تن داده اند که هدف آن جلوگیری از بازگشت پرونده اتهامی از سوی دادگاه یا دیوان عالی کشور است. این رویکرد، که به دلیل نبود واحد مددکاری، استفاده حداکثری از مددکار و روان شناس زندان و عدم معاینه پزشکی و

۱. به عنوان مثال، دادگستری کل استان فارس با ۴۲ حوزه قضایی، بیشترین حوزه قضایی را در کشور دارد. در نامه شماره ۶۵۶/۶۳۵ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۹ معاونت فناوری اطلاعات و برنامه ریزی این دادگستری خطاب به روسا و دادستان های این حوزه آمده است: «... شایسته است قضات محترم نسبت به دستور تشکیل پرونده شخصیت توجه داشته باشند... در جدول ذیل تعداد تشکیل پرونده شخصیت به صورت سیستمی در حوزه های قضایی استان در اردیبهشت ماه مشخص شده است. حوزه هایی که نام آن ها در جدول ذکر نشده حتی یک مورد پرونده شخصیت نداشته اند». با ملاحظه جدول یاد شده، از ۴۲ حوزه قضایی، صرفاً ۷ حوزه در اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ پرونده شخصیت تشکیل داده اند و مابقی حوزه ها فاقد تشکیل سیستمی بوده اند. از این تعداد نیز، ۶ حوزه کمتر از ۱۲ فقره پرونده شخصیت تشکیل داده اند و برخی حوزه ها تنها ۲ فقره پرونده شخصیت داشته اند.

روان‌پزشکی متهم در اکثر پرونده‌ها، ناقص باقی می‌ماند، به نوعی به باری به هر جهت تبدیل شده است.

به منظور جلوگیری از تشکیل نمادین پرونده شخصیت، پیشنهاد می‌شود که قضات (اعم از دادسرا و دادگاه) در مرحله تحقیقات مقدماتی، دیدگاه خود را با تحولات بین‌المللی و جرم‌شناختی هماهنگ کرده و به استفاده جدی و حداکثری از پرونده شخصیت در تصمیمات قضایی روی آورند. دسته‌بندی تأثیرگذاری پرونده شخصیت در اقدامات و اجزای مختلف تحقیقات مقدماتی و ابلاغ آن از طریق بخش نامه داخلی می‌تواند مؤثر باشد. همچنین، برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارتی با دعوت از اساتید و صاحب‌نظران علمی و دانشگاهی و ارائه نظریات مشورتی، که در آن به بهره‌گیری از پرونده شخصیت توصیه می‌شود، می‌تواند در راستای ادراک اهمیت تشکیل پرونده شخصیت و کاربرد آن در تصمیمات قضایی مؤثر واقع شود. تأمین سازوکارهای اجرایی برای تشکیل پرونده شخصیت، از جمله تخصیص بودجه کافی، ایجاد واحد مددکاری در حوزه‌های قضایی فاقد این واحد و متناسب‌سازی این واحدها با مولفه‌های پرونده شخصیت، به ویژه معاینه جسمی و روانی متهم، از جمله راهبردهای موفق برای تضمین نگرشی جامع به تمامی ابعاد شخصیتی متهم و علل ارتکاب رفتار مجرمانه او در تحقیقات جنایی است. باید در راستای ایجاد واحد علت‌شناسی جنایی در دادسرا گام برداشت، زیرا بزه‌کاری پدیده‌ای انسانی و اجتماعی است که تحت تأثیر عوامل فردی، محیطی و موقعیتی رخ می‌دهد.

فهرست منابع

۱. آشوری، محمد، و عظیم زاده، شادی. (۱۳۹۲ ش). جایگاه پرونده شخصیت در فرایند پیشگیری از پایدار شدن بزهکاری جوانان. *فصلنامه مطالعات حقوقی*، ۱(۴۳)، ۱۹۵-۲۱۳.
<https://doi.org/10.22059/jlq.2013.35287>
۲. آقامیرسلیم، مرضیه سادات. (۱۳۹۰ ش). *جایگاه پرونده شخصیت در نظام کیفری ایران و کانادا*، (استاد راهنما: علی حسین نجفی ابرنآبادی). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق (ع). گروه حقوق جزا و جرم شناسی.
۳. آنسل، مارک. (۱۳۹۵ ش). *دفاع اجتماعی*، (ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرنآبادی). تهران: گنج دانش.
۴. ابراهیمی، شهرام؛ اشرافی، ارسلان؛ علی زاده، فاطمه. (۱۳۹۴ ش). معیارهای تشخیص بزهکاران اتفاقی و واکنش متناسب در برابر آن ها. *فصلنامه قضاوت*، ۱۵(۸۳)، ۱۴۳-۱۷۳.
۵. ابراهیمی، شهرام، و بازوبند، زهرا. (۱۳۹۷ ش). کیفرشناسی ماهیت مجازات های تکمیلی. *فصلنامه رهیافت پیشگیری*، ۱(۳)، ۹۱-۱۰۸.
۶. امیری، علی، جواد طهماسبی و بتول پاکزاد. (۱۳۹۹ ش). «کاربرد مدیریت ارجاع در تضمین دادرسی بی طرفانه کیفری»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۵، شماره ۱۱۴.
۷. باپائی، محمد علی. (۱۳۹۸ ش). *جرم شناسی بالینی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
۸. بولک، بزنا. (۱۴۰۰ ش). *کیفرشناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
۹. پردال، ژان. (۱۴۰۲ ش). *تاریخ اندیشه های کیفری*، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات سمت.
۱۰. حاجی ده آبادی، محمد علی و زهرا ساری خانی. (۱۳۹۵ ش). «فردی سازی مجازات و جلوه های آن در نظام سیاست کیفری»، *فصلنامه فقه و حقوق*، سال ۲، شماره ۶.
۱۱. حاجی ده آبادی، محمد علی، محمدخلیل صالحی و محسن مرادی. (بهار-تابستان ۱۳۹۶ ش). «موقعیت داشتن تعقیب در نظام کیفری ایران با نگاهی تطبیقی»، *مجله آموزه های حقوق کیفری*، شماره ۱۳.
۱۲. حجتی، سید مهدی. (۱۳۸۹ ش). *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*، چاپ اول، تهران، انتشارات آوا.
۱۳. خالقی، علی. (۱۴۰۲ ش). *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، چاپ چهل و هفتم، تهران، انتشارات شهر دانش.
۱۴. خالقی، علی. (۱۴۰۲ ش). *نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری*، چاپ بیستم، تهران، انتشارات شهر دانش.
۱۵. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳ ش). *لغت نامه دهخدا*، جلد سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. رستمی تبریزی، لمیاء. (۱۳۹۵ ش). «جلوه های حقوق شهروندی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، *مجموعه مقالات همایش قانون آیین دادرسی کیفری*، چاپ اول، تهران، معاونت فرهنگی، اجتماعی و دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی.
۱۷. رستمی، هادی. (۱۴۰۲ ش). *آیین دادرسی کیفری*، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
۱۸. رضوی، سودابه. (۱۳۹۶ ش). *مفهوم خطرناکی در گستره علوم جنایی*، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
۱۹. سبزه علی، راضیه، محمود اشرافی و مسعود حیدری. (۱۳۹۷ ش). «آثار تشکیل پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران»، *مجله حقوقی دادگستری*، سال ۸۲، شماره ۱۰۴.

۳۷۶ آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۲۰، ش ۲۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۲۰. طهماسبی، جواد. (۱۳۹۵ ش). «آیین دادرسی جرایم اشخاص حقوقی»، *مجموعه مقالات همایش قانون آیین دادرسی کیفری*، چاپ اول، تهران، معاونت فرهنگی، اجتماعی و دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی.
۲۱. طهماسبی، جواد. (۱۳۹۸ ش). *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، انتشارات میزان.
۲۲. عاکفی، لاله، امیرایروانیان و امیریاکنهاد. (۱۳۹۹ ش). «ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار از دیدگاه زنان کارشناس»، *فصلنامه زن و جامعه*، سال ۱۱، شماره ۴.
۲۳. عباسی، شهاب. (۱۳۹۷ ش). *بررسی جایگاه پرونده شخصیت در نظام کیفری اسلام و حقوق ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۲۴. قائد، سعید. (۱۴۰۳ ش). «دفاع مشروع افراطی در فرایند رسیدگی کیفری ایران (با تاکید بر قتل عمد)»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، دوره ۲۳، شماره ۵۹.
۲۵. قائد، سعید. (۱۳۹۶ ش). *حدود تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق با تاکید بر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲*، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، شیراز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز.
۲۶. کاظمی، سیدسجاد و حامد چگینی. (۱۴۰۲ ش). «قراره‌های تامین کیفری و نظارت قضایی اشخاص حقوقی؛ تهدیدی جدی علیه تضمین حقوق بزه‌دیده»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۷، شماره ۱۲۱.
۲۷. کی‌نیا، مهدی. (۱۳۴۶ ش). *علوم جنایی*، جلد سوم، چاپ نخست، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. گسن، ریموند. (۱۳۸۶ ش). *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپ نخست، تهران، انتشارات مجد.
۲۹. گسن، ریموند. (پاییز و زمستان ۱۳۸۵ ش). «ملاحظه‌هایی درباره هدف آیین دادرسی کیفری»، ترجمه شهرام ابراهیمی، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۵۶-۵۷.
۳۰. ناجی‌زواره، مرتضی. (۱۴۰۱ ش). *آشنایی با آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، چاپ نخست، تهران، انتشارات خرسندی.
۳۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۵ ش). *آیین دادرسی کیفری، جدال قدرت - امنیت و حقوق - آزادی‌های فردی، مجموعه مقالات همایش قانون آیین دادرسی کیفری*، چاپ اول، تهران، انتشارات معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی.
۳۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (نیم سال نخست ۱۳۸۷-۱۳۸۶ ش). *تقریرات جرم‌شناسی (بازپروری بزهکاران)*، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دسترس پذیر در lawtest.ir.
۳۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (نیم سال دوم ۱۳۸۳-۱۳۸۲ ش). *تقریرات جرم‌شناسی (کلیات)*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، روزآمده شده تابستان ۱۴۰۲ تحت نظارت شهرام ابراهیمی، دسترس پذیر در lawtest.ir.
۳۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۷ ش). *زندان: درمانگاه بزهکاری و بزهکاران؟*، دیباچه دن بولک، برنار، *کیفرشناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات مجد.
۳۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۸ ش). «رویکرد جرم‌شناختی قانون «حقوق شهروندی»»، دن: *مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نشر گرایش.
۳۶. نجفی توانا، علی. (۱۳۹۰ ش). *جرم‌شناسی*، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات آموزش سنجش.

۳۷. نوربها، رضا. (۱۳۸۳ ش). *رشته جرم‌شناسی*، چاپ نخست، تهران، انتشارات گنج دانش.
۳۸. نوروزی، بهروز، نسرین مهرا، علی صفاری و محمدعلی مهدوی ثابت. (زمستان ۱۳۹۶ ش). «اصل اقتضاء تعقیب در قلمرو جرائم اطفال و نوجوانان در حقوق ایران و انگلستان»، *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، شماره ۳۳.
۳۹. نیازپور، امیرحسین. (۱۳۹۵ ش). *هنجارمند شدن آموزه‌های جرم‌شناسانه در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲*. در: *مجموعه مقالات همایش قانون آیین دادرسی کیفری*، (به کوشش معاونت فرهنگی، اجتماعی و دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۴۰. وروایی، اکبر. (۱۳۹۷ ش). *سنجش پرونده شخصیت مجرمین*. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
۴۱. یورگ آلبرشت، هانس. (۱۳۹۵ ش). *تورم جمعیت زندان‌ها در جستجوی کارآمدترین راه‌حل‌ها*، (ترجمه بهزاد رضوی فرد). تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۴۲. یوسفی، ایمان. (۱۳۹۳ ش). *آیین دادرسی کیفری*، (جلد اول). تهران: میزان.
43. Nadjafi, A.H., L'internationalisation des apports de la criminologie par les instruments pénaux internationaux, in *Mélanges offerts à Raymond Gassin*, PUAM, 2007.
44. Reilly, James, Risk and protective factors of delinquency: Perspectives from professionals working with youth. Master of social work clinical research papers, 2012.
45. Steiner, Hans, Cauffman. Elizabeth, Duxbury, Elaine, Personality Traits in Juvenile delinquents, Relation to Criminal Behavior and Recidivism, child Adolescent psychiatry, California, 1999.

